

عراق بادرخواست جمهوری اسلامی برای استرداد رجوی مخالفت کرد

روزهشتم خردادماه، چندروز پس از بازگشت علی خرم مشاور وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی از عراق، مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در بغداد به دیدار طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق رفت و با وی پیرامون مناسبات عراق با جمهوری اسلامی و حضور سازمان مجاهدین خلق در این کشور گفتگو کرد.

روزه شنبه ۹ خرداد اعلام شد که طی چند روز آینده یک هیات عراقی به سرپرستی معاون وزیر امور خارجه عراق برای پی گیری مذاکرات با مقامات جمهوری اسلامی به تهران خواهد رفت. در صورت موفقیت مذاکرات این هیات در تهران، ولایتی عازم بغداد خواهد شد تا با همتای عراقی خود دیدار کند.

کاردار عراق در تهران صلاح بقیه در صفحه ۳

همزمان با ماه محرم انجام شد

مانور گسترده پاسداران در اطراف تهران

- در مراسم ماه محرم عده ای از جوانان دستگیر شدند
- در جریان مانور عاشورا تهران توسط ۱۰۰ هزار پاسدار محاصره شد
- به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی حمله شد

دیگر مشهد، اراک، تبریز، قزوین نیست که حکومت بتواند با مسدود کردن راه های ورود و خروج آن ناراضیان را سرکوب کند. تکرار خیزش اسلامشهر و سرایت آن به دل تهران می تواند برای رژیم مرگبار باشد. از این رو برپایی مانور عاشورا و نمایش سرکوب و محاکمه اسیران در بند اسلامشهر همزمان شده اند تا رعب و وحشت بیشتری در میان مردم بیافرینند.

دستگیری جوانان در مراسم عزاداری

نمایش قدرت و سرکوب از نخستین روزهای ماه محرم آغاز شد. پاسداران مسلح در دسته های چند نفری در مناطق استراتژیک و در برابر بانک ها، پمپ بنزین ها، ادارات دولتی و تکیه های عزاداری مستقر شدند و در روزهای تاسوعا و عاشورا (۱۸ و ۱۹ خرداد) گه دسته های

عزاداری در گذرگاهها برای اجرای مراسم به راه افتادند، بر شمار پاسدارن افزوده شد.

در بعد از ظهر عاشورا در امامزاده عقیل، بیست کیلومتری جاده ساوه که پیکریکی از کشته شدگان سرکوب خونین مردم اسلامشهر در صحن آن به خاک سپرده شده است، بسیاری از خانواده ها در اعتراض به سکوت رژیم در مورد وضعیت فرزندان بازداشت شده خود اجتماع کردند. اعتراضات مردم در شامگاه عاشورا در چند تکیه بزرگ مراسم عزاداری به درگیری با پاسداران و ماموران امنیتی که بالباس میدل میان جمعیت بخش بودند منجر شد. در خیابان جمهوری در محل حسینیه سید هاشم پاسداران جوانانی را که علیه رژیم شعار می دادند دستگیر کردند و آنان را سوار بر اتوبوس هایی که از قبل آماده کرده بودند، با خود بردند.

دو روز بعد محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران در گفتگویی مطبوعات اعلام کرد که خانه های بقیه در صفحه ۲

۸ تیر روز شهدای فدائی

یاد یاران جان باخته ومبارزان راه آزادی میهن و بهروزی مردم گرامی باد

صفحه ۲

یک زندانی سیاسی محکوم به اعدام شد

شناخت. در حکم صادره وی متهم شده است که از سال ۶۴ تا زمان دستگیری فدایی بوده و به پیروی از اندیشه فداییان (اقلیت) برای براندازی جمهوری اسلامی تلاش می کرد. قرار است پرونده احمد باختری در هیات عمومی دیوان عالی کشور برای صدور رأی نهایی بررسی شود. ما دستگیری و صدور حکم اعدام علیه باختری را محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری او هستیم و از نیروهای آزاده و ترقیخواه ایران و جهان می خواهیم با اقدام یکبارچه و پشتیبانی از باختری، جمهوری اسلامی را به تمکین از حقوق بشر و لغو حکم صادره علیه وی وادارند.

بنابه گزارش منابع قضایی جمهوری اسلامی احمد باختری به اتهام حمله مسلحانه به بانک تجارت تهران و حمل غیر مجاز اسلحه به اعدام محکوم شد. حکم اعدام احمد باختری از سوی دادسرای انقلاب اسلامی صادر شده است. در متن حکم صادره علیه وی آمده است: احمد باختری مشهور به ناصر بانام مستعار صمد فرزند ابوالقاسم شغل کارشناس مرکز تحقیقات کشاورزی مازندران، ساکن ساری به اتهام فعالیت و قیام مسلحانه علیه انقلاب اسلامی تحت تعقیب دادسرای انقلاب اسلامی تهران قرار گرفت که پس از بررسی پرونده و محاکمه نامبرده، دادگاه او را مجرم

اروپا و آمریکا:

بازتاب سیاست های متفاوت در قبال ایران

رویدادها و موضعگیری های گوناگونی که در هفته های اخیر در اروپا و آمریکا در ارتباط با ایران به وقوع پیوسته است، بیش از پیش نشانگر شکل گیری دو سیاست متفاوت در قبال کشور ماست. مشی نخست، حدود دو سال پیش به دنبال روی کار آمدن دولت کلینتون در آمریکا از سوی سیاست گذاران این دولت اعلام شد و اکنون به درجات متفاوتی از پیگیری، از سوی محافل سیاسی واشنگتن دنبال می شود. این مشی، سیاست مهاردوگانه نام گرفت و هدف آن، محدود و منزوی کردن ایران و عراق در منطقه اعلام شد. در حالی که دریدو امر، مقامات دولت کلینتون گفتند که مانند دولت بوش، عراق را کماکان خطر اصلی برای منافع ایالات متحده در خاورمیانه می دانند، با اعلام سیاست تحریم اقتصادی ایران از سوی کلینتون، به نظر می رسد لبه تیز حمله واشنگتن در منطقه متوجه تهران شده است.

سیاست دوم، سیاستی است که اروپایی ها آن را "دیالوگ انتقادی" نام نهاده اند و پیگیری ترین مدافع آن در تمام طول سال های اخیر، دولت آلمان بوده است. محافظه کاران انگلیس که در دوره حکومت جمهوریخواهان آمریکا نزدیک ترین سیاست خارجی را به سیاست واشنگتن دنبال می کردند، در دوره میجر و کلینتون از آن سوی اقیانوس فاصله گرفته و حداقل در مورد ایران، سیاستی را دنبال می کنند که به مشی آلمان نزدیک تر است تا روش آمریکا. همه کشورهای اروپایی به دنبال اعلام تحریم ایران از سوی کلینتون، اعلام کردند که به این تحریم نمی پیوندند.

سه تحول جدید، به روشن تر شدن تصویر در مورد سیاست های شکل گرفته در اروپا و آمریکا در مورد ایران، کمک می کند. نخست، ابتکار اتحادیه اروپا برای حل "مسئله سلمان رشدی" است. در ماهی که گذشت، اتحادیه اروپا پس از اعلام تحریم اقتصادی ایران توسط واشنگتن، ابتکار عمل را - البته در جهت مغایر با سیاست اعلام شده آمریکا - در دست گرفت و به جمهوری اسلامی چنین پیام داد: مادر تحریم شما شرکت نمی کنیم. متقابلاً از شما انتظار داریم فتوای قتل سلمان رشدی را لغو کنید. قرار است محمود واعظی از مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی در هفته آینده به اروپا برود و پاسخ رسمی تهران به ابتکار اتحادیه اروپا را تسلیم کند. اما مقامات ریژودرشت جمهوری اسلامی از پیش رئوس این پاسخ را به اطلاع اروپا رسانده اند: فتوای خمینی قابل لغو نیست، اما تعهد می دهیم برای قتل رشدی کماندو نفرستیم و از عوامل خود بخواهیم در اروپا قوانین کشورهای میزبان را رعایت کنند. ظاهراً اروپا تصمیم گرفته است این

بقیه در صفحه ۳

گروه دوم متهمان به قتل دکتر شاپور بختیار

محاکمه شدند

دادگاه جنایی پاریس روز جمعه ۲۶ خرداد با حضور هفت قاضی برای محاکمه گروه دوم متهمان قتل شاپور بختیار تشکیل جلسه داد. دادگاه حکم متهمین را که ۶ نفر هستند غایباً صادر کرد. هر ۶ تن به حبس ابد محکوم شدند. دوتن از متهمان به نام های فریدون بویراحمدی و محمد آزادی همراه وکیلانی را در سال ۹۱ وارد اقامتگاه بختیار شدند و او دستیارش سروش کتیبه را به قتل رساندند.

چهارتن دیگر که در تدارک ترور بختیار و سرورش کتیبه دست داشتند، عبارتند از مشاوری و رئیسین وزارت پست و تلگراف جمهوری اسلامی حسین شیخ عطار، نفردوم مسعود ادیب سو مامور مخفی رژیم در ترکیه و رابط گروه ترور با وزارت اطلاعات و امنیت، غلامحسین شوریده شیرازی از وابستگان هاشمی رفسنجانی و نفر چهارم ناصر قاسمی نژاد است.

گروه اول متهمان که چند ماه پیش محاکمه شدند علی وکیلانی را، مسعود هندی و سرحدی بودند. سرحدی به هنگام قتل بختیار کارمند رسمی سفارت جمهوری اسلامی در سوئیس بود. جمهوری اسلامی برای تیرئه سرحدی دوتن از وکلای

روزنامه های دولتی دوبار بر شد

هفت روزنامه دولتی ایران که تاکنون به پیروی از سیاست رژیم بحران اقتصادی کشور را تبلیغات دشمنان و مخالفان قلمداد می کردند تا گزیر شدند تحت فشار تورم و گرانی سرسام آور، قیمت هر نسخه روزنامه را دوپست درصد افزایش دهند. در اطلاعاتی که هفت روزنامه مشترکاً صادر کردند و در تاریخ ۱۷ خرداد در این روزنامه ها به چاپ رسید، علت افزایش قیمت را بحران کاغذ و کمبود آن، افزایش قیمت انواع کالا های وارداتی و خدمات فنی ذکر کردند.

در این اطلاعاته مشترک که بقیه در صفحه ۲

از روز سه شنبه ۱۶ خرداد

تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا به اجراء آمد

اعمال رسمی تحریمهای آمریکا، ژاپن اعلام داشت که در تحریم علیه ایران شرکت نخواهد کرد. مدیر کل وزارت امور خارجه ژاپن، طی دیدار با مشاور سفیر آمریکا در توکیو اعلام کرد که ژاپن تقاضای واشنگتن مبنی بر اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران را عملی صحیح تشخیص نداده و ژاپن اعتقاد ندارد از وای ایران و سوق آن به سمت تندروی روش درستی باشد. وی افزود واشنگتن تصمیم به تحریم تجاری ایران را به طور یک جانبه وبدون استناد به یک توافق بین المللی نظیر قطعنامه های شورای امنیت سازمان بقیه در صفحه ۲

رقابت رهبر و رئیس جمهور برای کنترل وزارت اطلاعات

نماینده معان در جلسه مجلس شورای اسلامی فاش ساخت که بین خامنه ای و هاشمی رفسنجانی بر سر نظارت و کنترل وزارت اطلاعات و امنیت اختلاف وجود دارد و طرفداران خامنه ای در مجلس معتقدند که وزارت اطلاعات با پستی زیر نظر رهبری باشد و به جای گزارش به هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس دولت از خامنه ای کسب تکلیف کند.

احمدی نماینده معان با تاکید بر تجدید سازمان و سیستم نظام امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی گفت: وزارت اطلاعات باید از دولتی بودن خارج شده و زیر نظر رهبری در حراست از کل نظام که دولت نیز جزئی از آن است، انجام وظیفه کند. احمدی با تاکید بر این که وزارت اطلاعات باید زیر نظر افراد "صالحی" باشد، گفت اگر سلامت نظام را طالب هستیم باید عملکرد مسئولین رده بالای حکومتی تحت نظر افراد صالح و متقی قرار گیرد.

روزشنبه ۲۰ خرداد، فلاحیان وزیر اطلاعات فعالیت های این وزارتخانه را تشریح کرد. وی در گزارش خود بیش از همه بر عملیات نفوذی وزارت اطلاعات در میان برخی از نیروهای اپوزیسیون تاکید کرد. وی به ترور هایی که در یکسال اخیر به رهبری وزارت اطلاعات صورت گرفته است اشاره ای نکرد. آخرین عملیات تروریستی رژیم، قتل دوتن از نیروهای اپوزیسیون در عراق است.

یادداشت

نمایش قدرتی که روبه تحلیل می‌رود

برگذاری مانور نظامی سپاه پاسداران با شرکت ۱۰۰ هزار پاسدار و لشکر زمینی وزرهی در جنوب غربی تهران، از اقدامات پرسروصدای هفته گذشته بود. محل مانور قبلاً علی‌آباد قم اعلام شده بود، اما این محل به طور ناگهانی تغییر کرد و به جنوب تهران منتقل شد، هم این موضوع و هم سخنان محسن رضایی که گفت این مانور در اصل نه برای ارتقای کارایی نظامی، بلکه به خاطر مقاصد سیاسی است؛ نشان می‌دهد که هدف این مانور نمایش قدرت و به رخ کشیدن توان سرکوب رژیم و نشان دادن ثبات در کشور است. این جنگ و دندان نشان دادن به چه منظور و برای چه کسانی است؟ سران حکومت بعد از شورش مردم در شهرهای اراک، شیراز و مشهد بسیجی‌ها را فراخواندند و آنها را در گردان‌های ویژه سازماندهی کردند و وظیفه سرکوب را بر عهده آنها گذاشتند. در همان موقع یگان ویژه سپاه پاسداران انقلاب نیز برای مقابله با اعتراضات مردم تشکیل گردید و نقش تیروی واکنش سریع بر عهده آن گذاشته شد. در تکمیل این اقدامات، مجلس شورای اسلامی قانونی را تصویب کرد و به مامورین انتظامی و اطلاعاتی رژیم اجازه داد که برای مقابله با شورش و "بلوا" از سلاح استفاده کنند.

مانور نظامی عاشورا تا دوام همین اقدامات است. حکومت گران بروز حرکات بیشتر اعتراضی را پیش‌بینی می‌کنند و از این حرکات به ویژه در تهران وحشت دارند. آرامش در تهران برای حکومت به جهات مختلف جنبه حیاتی دارد و خیزش مردم در این شهر می‌تواند اوضاع را تحت تاثیر قرار دهد. به همین جهت است که رژیم به برگزاری مانورهای زیادی در تهران دست زده است تا آمادگی مقابله سریع با شورش احتمالی مردم را در نیروهای سرکوبگر خود فراهم آورد. هدف این مانورها زهر چشم گرفتن از مردم و نشان دادن تصمیم رژیم به این است که می‌خواهد هر اعتراضی را با کشتار خاموش کند.

برگزاری مانور عاشورا هدف دیگری نیز داشت و آن مرعوب ساختن ارتش بود. سران رژیم بعد از شانزده سال، هنوز به ارتش اعتماد لازم را ندارند و آن را پاره تن خود نمی‌دانند. امکانات رژیم برای متکی شدن به ارتش به منظور سرکوب مردم زیاد نیست. ارتش ناراضی‌ها و مخالفت‌هایی برای رودررویی با مردم از خود نشان داده است. گسترش ناراضی‌ها در صفوف ارتش و انتشار نامه‌های سرگشاده بیانگر این مخالفت‌ها است و اعتماد رژیم به ارتش را بیشتر از پیش متزلزل کرده است.

اما برگزاری بی‌دری این گونه مانورها و کشتادن نیروهای نظامی به خیابان‌ها، خود بزرگترین نشانه آن است که رژیم اطمینانی به اوضاع ندارد و نیرویی را به نمایش می‌گذارد که روزه روز بیشتر تحلیل می‌رود.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره

حمله به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی

افراد مسلح در روز شنبه ۲۰ خرداد با حمله به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی، مسئولین این نشریه را مورد ضرب و شتم قرار دادند و آنان را تهدید کردند که اگر به مخالفت خود با حکومت اسلامی ادامه دهند، آنها را به قتل خواهند رساند. این نشریه قبلاً نیز به مدت کوتاهی توقیف شده بود و عوامل رژیم با بسیج دانشجویان هوادار خود کوشیده بودند آن را تحت کنترل در آورند.

نشریه پیام دانشجوی بسیجی، طی ماه‌های اخیر به افشای فسادهای گسترده مقامات حکومتی، از جمله در مورد اختلاس بزرگ بانک صادرات، دست زده و با برخی از سیاست‌های حکومت به مخالفت برخواسته بود. این نشریه وابسته به جناح‌هایی از حکومت است که اکنون خود قربانی استبدادی شده‌اند که هیچ مخالفتی را حتی در درون خود نیز تحمل نمی‌کنند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هجوم به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی و تهدید مسئولین آن به مرگ را محکوم می‌کند و این اقدام را نشانه دیگری از استبداد فراگیر و خشن جمهوری اسلامی می‌داند و خواهان آزادی مطبوعات و پایان یافتن فشارهای آشکار و پنهان بر آنان است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۲ خرداد ۱۳۷۴

قیمت روزنامه‌های دولتی ...

خواهد شد.

روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، رسالت، سلام، ابرار، کار و کارگرو جمهوری اسلامی زیر آن را امضا کرده‌اند. آمده است: از روز شنبه ۲۰ خرداد ماه جاری هر نسخه روزنامه به قیمت ۲۰۰ ریال تقدیم خوانندگان خواهد شد. این روزنامه‌ها، علیرغم افزایش قیمت به روال سابق همچنان از سوبسید دولتی برخوردارند و امتیاز چاپ آگهی‌های دولتی را نیز که یکی از منابع عمده تامین درآمد روزنامه‌هاست در انحصار دارند.

تحریم اقتصادی ایران توسط ...

گفت: ژاپن بر اساس موافقتنامه‌های بین‌المللی، صادرات کالاها را که امکان دارد از طرف ایران برای تولید سلاح به کار گرفته شود، محدود خواهد کرد. ملل متحد اتخاذ کرده است. مدیر کل وزارت خارجه ژاپن افزود که دولت ژاپن آمادگی دارد بین ایران و آمریکا میانجی‌گری کند و روابط دو کشور باید بهبود یابد. مقام ژاپنی

مسئول خرید نیروهای مسلح با ۶ میلیون دلار به آمریکا گریخت

سنا به خبر هفته نامه پیام دانشجوی بسیجی، مسئول خرید نیروهای مسلح با ۶ میلیون دلار به آمریکا فرار کرده است. او برای خرید به مسکو سفر کرده بود. گفته می‌شود اسم این شخص سر تیپ پاسدار شفق است. این نشریه از نمایندگان مجلس خواسته است که قضیه را پیگیری کرده و گزارش آن را به مردم ارائه دهد.

همین هفته نامه خبر داده است که موسوی قمی رئیس بنیاد نبوت اخیراً آزاد شده است. موسوی قمی چند سال پیش به جرم کلاهبرداری دستگیر شده بود. به نوشته این نشریه بنیاد شهید در زمان تصدی کربویی دو هزار تومبیل نوبه ایران وارد کرده تا با فروش آن بخشی از هزینه‌ها را تأمین کند.

مانور گسترده پاسداران در ...

بقیه از صفحه ۱ دستور داده است "مانور عاشورا" با شرکت پاسداران سراسر کشور در تهران آغاز شود.

یورش ماموران امنیتی به دفتر نشریه "پیام دانشجوی"

همزمان با تدارک گسیل پاسداران به خیابان‌ها و نمایش نظامی، برای ارباب مردم، دفتر هفته نامه پیام دانشجوی بسیجی که به تازگی تحت فشار رژیم پسوند "بسیجی" از نام آن حذف شده است، هدف یورش ماموران امنیتی قرار گرفت.

به گزارش مطبوعات، مهاجمان که تعداد آنان ۲۰ نفر بودند روز شنبه ۲۰ خرداد به دفتر نشریه حمله ور شدند و تمامی اعضای تحریریه، دست‌اندرکاران و جمعی از مهاجمان را به زور اسلحه در اتاقی محبوس کردند و معترضین را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. به گفته محمد حسین زارعی عضو شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و عضو هیات تحریریه نشریه پیام دانشجوی بسیجی "مهاجمان با ایجاد جو ارباب و تهدید و با برهم زدن سیستم، چک‌ها و موجودی نقدی تحریریه را برداشته و کامپیوترها، دستگاه‌ها، کس و آرشیه‌ها را منهدم کردند.

روزنامه سلام به نقل از منبع خبری دیگری نوشته که مهاجمین به اعضای تحریریه نشریه گفته‌اند مملکت قانون ندارد و ما خودمان قانون هستیم. مگر چند یار با آقای ... مدیر مسئول هفته نامه تذکره شده که علیه سه قوه چیزی ننویسید؟ چرا دوباره نوشتید؟ مهاجمین به دفتر نشریه، مدیر مسئول، سردبیر و اعضای تحریریه را تهدید کردند که شما را در خیابان یا جای دیگر با ما شین و ... از بین خواهیم برد.

آخرین خبری که پیام دانشجوی بسیجی پیش از یورش مهاجمین چاپ کرد، گزارش چگونگی فرار سر تیپ پاسدار شفق با ۶ میلیون دلار به آمریکا بود. این نشریه در شماره‌های پس از هجوم "حزب الهی" منتشر شد، نوشت: "مهاجمان چنان با قلدری و اطمینان قدم به داخل ساختمان گذاشتند که گویا بنسنت آنان به کوه است. زندانی کردن کارکنان و مراجعان، بازجویی و جمع‌آوری مدارک شخصی آنان و نظاره به تنظیم صورت جلسه نشان از چه دارد؟"

۸ تیر، روز شهیدان فدایی، گرامی باد!

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت ۸ تیر

یاد یاران جان باخته

مبارزان راه آزادی و بهروزی میهن و مردم

گرامی باد

۸ تیر سالروز شهادت گروهی از یاران ما و آغازگران جنبش فدائیان و روز شهیدان سازمان است. ۸ تیر سال ۱۳۵۵ رفقا حمید اشرف، یوسف قانع خشک بیجاری، محمد رضا پیربی، محمد حسین حق نواز، علی اکبر وزیری، طاهره خرم، غلام رضا لایق مهربان، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور در مقاومتی حماسی در برابر انبوه ماموران مسلح استبداد که به محل اجلاس کادر رهبری سازمان حمله برده بودند، به شهادت رسیدند.

این رفقا اما، نه نخستین شهیدای سازمان ما و نه آخرین آنها بودند. پیش از آنها ده‌ها تن از فعالین، رهبران و بنیانگذاران سازمان و پس از ۸ تیر ۱۳۵۵ نیز، صدها تن دیگر در بحبوحه انقلاب، در جریان دفع تجاوز ارتش عراق تا آزادسازی دوباره خرمشهر و نیز در اسارتگاه‌ها و پای چوبه‌های دار رژیم اسلامی جان خود را از دست دادند. ۸ تیر روز گرامی‌داشت این یاران و تجلیل از مبارزه سخت و دشوار آنهاست. یارانی که جز دفاع از حقوق و حرمت انسان و آزادی و آبادی میهن سودایی دیگر در سر نداشتند.

ارزوی آزادی میهن و بهروزی مردم، جان‌مایه و انگیزه بیکاروتلاش همه فداییان خلق در تمام این سالها بود، چه آنها که جان باخته‌اند و چه آنها که امروز در صفوف سازمان در مبارزه با اربابان برای از چنگال استبداد سهیم‌اند. راز ماندگاری و تداوم این جنبش نیز وفاداری به این آرمانها، با مردم بودن و پایبندی به منافع مردم و مصالح میهن بوده است. در سالروز جانباختگان سازمان یاد همه آن جانهای شیفته را گرامی داریم و به احترام شان سر تعظیم فرود می‌آوریم.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تیر ماه ۱۳۷۴

به یاد یاران



با فرارسیدن دیگر باره ۸ تیر، ۱۹ سال از جان باختن رفقای ما، فدائیان خلق حمید اشرف، محمد حقنواز، یوسف قانع خشک بیجاری، محمد مهدی فوقانی، علی اکبر وزیری، طاهره خرم، غلامرضا حسینی، فاطمه حسینی، غلامرضا خراط پور و محمد رضا پیربی می‌گذرد. پس از کشتار رهبران دو گروه بنیانگذار سازمان، جان باختن رفیق حمید و یارانش مهلک‌ترین ضربه بر پیکر ما بود. خصم بران بود تا بر مبارزه فدائیان نقطه پایانی بگذارد و با کشتن رفقا بر این توهم بود که به خواسته خود دست یافته است. این تصور باطلی بود. و امروز که ۱۹ سال از جان باختن آن آزادگان می‌گذرد فدائیان هم چنان پا بر جا هستند استبداد هم چنان آماج مبارزه ماست.

رفیق حمید و یارانش نه نخستین جان باختگان سازمان بودند و نه آخرین آنان، در ۲۵ سالی که از حیات سازمان می‌گذرد صدها فدائی خلق با آرمان‌های آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در راه آبادی ایران و در راه آزادی و سعادت میهن و هم میهنان مان از جان خود گذشته‌اند، صدها فدائی خلق در زیر شکنجه‌های جلادان دور رژیم مستبد و در برابر جوخه‌های اعدام و بر چوبه‌های دار آنان جان بر سر پیمان نهاده‌اند تا روزی سپیده آزادی بر میهن استبداد زده‌شان لیخند زند، ده‌ها فدائی خلق در جبهه‌های جنگ سینت ستیر خود را مسیر گلوله‌های دشمنان این خاک و بوم کردند و بر خاک افتادند تا ایران سرفراز ماند، ده‌ها فدائی خلق در کردستان و ترکمن صحرا از جان در راه رفع ستم و تضییقات ملی ایستادند و جان دادند و ده‌ها فدائی خلق ربوده و شکنجه شدند و به قتل رسیدند.

برای ما فدائیان ۸ تیر روزی است یاد آورندگان یارانی عزیز و بسیار یارانی سرشار از شور و شوق زندگی. یاران ما گور جان خود را و ثبته صلابت مبارزه‌ای بی‌امان در راه آزادی و برابری در میهن کردند. نمر جانفشانی‌های آنان با گرفتن و بقای جنبشی شد که امروزه یکی از رکن‌های اساسی جنبش دموکراسی در میهن ماست.

بزرگداشت ۸ تیر، روز جان باختگان سازمان، نه بزرگداشت شهادت، که گرامی‌داشت و قدردانی از مبارزه است، مبارزه‌ای بی‌امان و توأم با از خود و از جان گذشتن، مبارزه‌ای با اهداف و آملی عالی و انسانی. ۸ تیر نه بزرگداشت پاس و مرگ که گرامی‌داشت عشقی است والا به زندگی و بزرگداشت تک تک آن آزادگانی است که در تارترین روزهای میهن سردار عشق شدند و مشعلی از جان فروزان خود بر فراز آن افراشتند.

۸ تیر روز امید است و روز عزم، عزمی جزم به مبارزه با ستم، استبداد و بی‌عدالتی و در راه میهنی آباد، آزاد و سعادت مند و سرفراز.

دولت آلمان به خانم رجوی اجازه ورود به این کشور را نداد

گرد همایی سیاسی سازمان مجاهدین خلق به مناسبت ۳۰ خرداد که برای روز جمعه ۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) در شهر دورتموند آلمان تدارک شده بود، بخاطر مخالفت دولت آلمان با سفر خانم مریم رجوی به این کشور بدون حضور وی برگزار شد.

دلیل مخالفت دولت آلمان با سفر مریم رجوی به این کشور سیاست این سازمان در براندازی حکومت ایران و مغایرت آن با منافع آلمان بیان شد. این تصمیم تحت تاثیر اعمال فشار مستقیم جمهوری اسلامی صورت پذیرفته. صراحت دولت آلمان و بیان آشکار علت این تصمیم توسط دولت این کشور تازگی دارد. پیش از این دولت این کشور می‌کوشید پذیرش خواسته‌های باج خواهانه و غیر قابل دفاع جمهوری اسلامی و یا دلایل آن را مسکوت بگذارد.

سازمان مجاهدین برای میتینگ خود در شهر دورتموند تدارکات و سازماندهی فوق العاده وسیعی در سراسر اروپا صورت داده بود.

مراسم ۳۰ خرداد بدون حضور مریم رجوی برگزار شد. وی از طریق ماهواره برای حاضرین در این گردهمایی سخنرانی کرد. رسانه‌های گروهی تعداد شرکت کنندگان را حدود ۲ هزار نفر ذکر کردند. خود مجاهدین تعداد اجتماع کنندگان را ده هزار نفر قید کرده‌اند.

این تصمیم دولت آلمان که تحت فشار جمهوری اسلامی انجام گرفت، در تقابل آشکار با موازات و حق آزادی بیان محسوب می‌شود.

۴۸۰ تن از کارگران شهرداری تهران

اخراج شدند

جای این کارگران، کارگرافغانی به طور روزمزد به کار گرفته است. کارگران می‌گویند در مناطق مختلف شهرداری تهران از جمله منطقه ۱۴ به این دلیل کارگرافغانی به کار گرفته می‌شوند که مسئولان مناطق مختلف شهرداری از پرداخت حقوق و مزایای قانونی آنان از جمله حق بیمه، حق مسکن و اولاد و ... معاف هستند.

منطقه ۱۴ در اردیبهشت ماه به کارگران ابلاغ شد، علت اخراج آنان واگذاری امور خدمات شهری، فضای سبز، عمران و دیگر واحدها به بخش خصوصی ذکر شد. کارگران اخراجی روز اول خرداد در اعتراض به تصمیم شهرداری تهران، مقابل خانه کارگر اجتماع کردند و خواستار بازگشت به کار شدند. بخش خصوصی به

۴۸۰ نفر از کارگران رسمی شاغل در واحدهای عمران، فضای سبز، خدمات شهری، موتور سبک و سنگین نواحی چهارگانه شهرداری منطقه تهران که بسیاری از آنان پیش از بیست سال سابقه اشتغال در شهرداری دارند، به تصمیم شهرداری تهران از کار اخراج شدند.

در حکمی که توسط شهرداری



عراق با درخواست جمهوری اسلامی برای ...

بقیه از صفحه ۱

سرمه‌به‌خبرنگاران گفت: مشاور ولایتی در دیدار با مقامات عراقی طرح جامعی از سوی جمهوری اسلامی برای حل مسایل مورد اختلاف ارایه کرده است. وی در مورد جزئیات طرح جمهوری اسلامی توضیحی نداد. در گفتگوهای علی‌خرم در بغداد، تهیه لیست کامل از اسرا و مبادله آنان، استرداد هواپیماهای عراقی و عدم حمایت هر یک از دو کشور از گروه‌های مخالف کشور مقابل و جلوگیری از عملیات آنان در مرزهای دو کشور جای برجسته‌ای داشتند.

درباره تعداد اسرا، کاردار عراق در تهران می‌گوید این کشور تنها ۱۶۴ اسیر ایرانی در اختیار دارد. جمهوری اسلامی با استناد به مدارک رسمی، تصاویر تلویزیونی جمع‌آوری شده از اسرا معتقد است که شمار اسرای ایرانی در عراق ۱۵ هزار نفر است.

در مورد تعداد هواپیماها، عراق مدعی است که این کشور ۱۴۴ فروند هواپیما در ایران دارد. جمهوری اسلامی شمار هواپیماهای عراقی را که در جریان جنگ خلیج فارس به ایران پناهنده شدند ۲۰ فروند ذکر کرده است.

مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق اجازه سخنرانی در مدرسه حقانی برای طلبه‌های عراقی داده نشد. خیر توافقی بر سر استرداد مسعود رجوی را اولین بار روزنامه کیهان هوانی به نقل از منابع امنیتی رژیم منتشر ساخت و روز ۲۴ خرداد با معاون نخست وزیر عراق در دیدار با مسعود رجوی به وی اطمینان داده است عراق با درخواست جمهوری اسلامی مخالفت است و او را به رژیم ایران تحویل نخواهد داد.

درباره برخی از روزنامه‌ها روز ۱۶ خرداد با استناد به گزارش رادیو بحرین نوشتند که مقام‌های سیاسی دو کشور ایران و عراق در مورد مخالفان یکدیگر به توافق کامل نزدیک شده‌اند و زمینه عزمیت حجت الاسلام حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به لندن فراهم شده و بازگرداندن شیخ علی‌نهرانی نیز در همین چارچوب است. دفتر حجت الاسلام حکیم با ارسال نامه به نشریات، بدون اشاره به نظر رسمی جمهوری اسلامی خبر مربوط به خروج وی از ایران را تکذیب کرد.

بنایه گزارش مطبوعات، در قم با برگزاری مراسم محرم و راه افتادن دسته‌های عزادار عراقی مخالفت شد و به محمد باقر حکیم رئیس دولت بعث هستند، برانگیخته است.

طرح تشدید مجازات گران فروشان تصویب نشد

ژیرنوفسکی در تهران

انقلاب اسلامی به مجازات محاربه محکوم خواهد شد. موافقان طرح در مجلس از لزوم برخورد قاطع با گرانفروشان در حد اعدام سخن گفتند و مخالفان با تذکر اینکه دامن دولت جمهوری اسلامی نیز در گرانفروشی آلوده است تناقض این طرح ۶ سطر را با ۳۲ صفحه قانون تعزیرات حکومتی که در آن نیز مجازات اعدام برای گرانفروشان در نظر گرفته شده است، نشان دادند.

در رأی گیری کتبی که پس از اظهارات نماینده‌ی دولت جمهوری اسلامی به عمل آمد، طرح تشدید مجازات گرانفروشان با ۸۲ رأی موافق از کل ۱۸۲ رأی به تصویب نرسید و رد شد.

اوائل ماه جاری، مجلس شورای اسلامی طرح یک فوریتی تشدید مجازات گرانفروشان را که با رأی نمایندگان در اولویت دستور کار مجلس قرار گرفته بود، مورد بررسی قرار داد و آنرا رد کرد. در این طرح که خارج از نوبت در دستور کار مجلس قرار گرفت، آمده بود: بجز بهای کالاها و خدماتی که به موجب قانون بودجه‌ی سال ۱۳۷۴ کل کشور به تصویب رسیده است قیمت کلیه کالاها و خدمات به سطح اول آبان ماه ۱۳۷۳ کاهش می‌یابد و هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی که این کاهش را اعمال نکند و به گرانفروشی ادامه دهد با توجه به اینکه موجب اخافه و وحشت عمومی می‌گردد، محاربت تلفی و توسط محاکمه

ولادیمیر ژیرنوفسکی رهبر حزب لیبرال روسیه که یک حزب ملی‌گرای افراطی است، هفته گذشته از ایران دیدار کرد. رسانه‌های وابسته به حکومت اسلامی دیدار ژیرنوفسکی از ایران را تقریباً به سکوت برگزار کردند، اما سفرویی به ایران به دعوت مقامات حکومت بوده است. بسیاری از دولت‌ها تا کنون از سفر ژیرنوفسکی به کشورشان به دلیل نظرات شبه فاشیستی او جلوگیری کرده‌اند. او در جریان مبارزات انتخاباتی دو سال پیش روسیه که به کسب حدود ۲۰ درصد از کرسی‌های نمایندگی پارلمان توسط حزب اش منجر شد، گفته بود که سربازان روس باید چکمه‌های خود را در آبهای گرم خلیج فارس بشویند.

اروپا و آمریکا: بازتاب سیاست‌های متفاوت در قبال ایران

بقیه از صفحه ۱

پاسخ جمهوری اسلامی را علیرغم اینکه خواست برحق لغو فتوای خمینی را بی‌پاسخ می‌گذارد، رضایت بخش قلمداد کند.

رویدادهای دیگر، درواشنگتن به وقوع پیوست. تعدادی از نمایندگان کنگره آمریکا، که البته سیاست خارجی این کشور - عرصه اختیارات کاخ سفید - را تعیین نمی‌کنند، در نامه‌ای به کلینتون خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و حمایت از مجاهدین شدند. تا آنجا که به سیاست تحریم مربوط می‌شود، این نامه در راستای موضع گیری اخیر کلینتون است. اما در مورد وجه اثباتی سیاست آمریکا در قبال ایران، یعنی حمایت از یک نیروی جانشین، بین وزارت خارجه و بخشی از کنگره اختلاف وجود دارد. در حالی که وزرات خارجه چند ماه پیش در گزارشی به کنگره، مجاهدین را یک نیروی تروستی مورد حمایت صدام حسین نامید، ۲۰۲ نماینده کنگره می‌گویند این سازمان یک آلترناتیو مکرر است.

وبالاخره باید از اقدام هفته گذشته دولت آلمان نام برد که مریم رجوی را از حضور و سخنرانی در این کشور منع کرد و این تصمیم را برای آنکه به خوبی به گوش همه و از جمله جمهوری اسلامی برسد، در رسانه‌ها بازتاب داد. جمهوری اسلامی هم مراتب تشکر خود را از این اقدام آلمان اعلام کرد.

سه فرض در توضیح تفاوت‌های چشمگیر در سیاست غرب در قبال ایران قابل بررسی است: فرض نخست آنکه اروپا و آمریکا از اساس، منافع متفاوت و متضادی را در منطقه دنبال می‌کنند. دوم آنکه بین اروپا و آمریکا در مورد آینده تحولات در ایران، اختلاف ارزیابی وجود دارد و در حالی که اروپا بنا بر فروپاشی قریب الوقوع جمهوری اسلامی نمی‌گذارد، واشنگتن به ایجاد تحولات سیاسی بنیادین در ایران امیدوار است. وبالاخره این فرضیه که اروپا و آمریکا در تنظیم سیاست‌های خود در قبال ایران، دست به نوعی تقسیم کار زده‌اند: اروپا امیدوار است با استفاده از اهرم فشار آمریکا، در ایران تغییرات مطلوب غرب را ایجاد کند.

شواهدی بر صحت هر سه فرضیه، لااقل تا حدود معینی، وجود دارد.

در اینکه اپوزیسیون ایران باید از شرایط بین‌المللی برای مبارزه خود در راه برقراری دموکراسی در کشورمان نجات ایران از شدیدترین بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تاریخ معاصر کشور بهره‌گیرد، تردیدی نیست. اما در هر حال، اپوزیسیون ایران باید با آگاهی از مقاصد و اهداف قدرت‌های خارجی در سیاست‌شان در قبال ایران به این تلاش‌ها دست زند. واقعیت‌ها نشان داده است که امر استقرار دموکراسی در ایران و اعتراض به نقض حقوق بشر، در مرکز توجه حکومت‌های غرب، چه اروپا و چه آمریکا قرار نداشته است. نه کشتار اسلام‌شهر را اعتراضی را برانگیخت و نه تهدید نویسندگان به انتقام. اگر دولت‌های غربی بر ضرورت رعایت حقوق بشر در ایران تأکید می‌کنند، این امر تنها از آن رو است که افکار عمومی در مقیاس ملی و بین‌المللی، چنین انتظاری از آنها دارد. اپوزیسیون ایران می‌تواند و باید این ادعاها را ملاک سنجش عمل دولت‌های غربی قرار دهد و از آنها، دفاع از حقوق بشر در ایران را بطلاند. اما چشم امید داشتن به امزاده‌هایی که از آنها معجزه‌ای جز دالوگ انتقادی یا تحریم اقتصادی بر نمی‌آید، شایسته اپوزیسیون ایران نیست.

متأسفانه، بخشی از مخالفان رژیم ولایت فقیه به این واقعیات توجهی ندارند. آنها که همچون مجاهدین با هلهله و پایکوبی از تحریمی که مهم‌ترین نتیجه آن، افزودن بر ابعاد فلاکت اقتصادی و محرومیت‌های مردم است، استقبال می‌کنند، و یا چون برخی از طرفداران سلطنت، از اینکه در رقابت با مجاهدین جهت جلب حمایت نمایندگان کنگره آمریکا باخته‌اند، از خشم به خود می‌پیچند، فراموش می‌کنند که مخربترین کار آنست که از عامل خارجی در رقابت با یکدیگر و برای تضعیف دیگری و تقویت خود استفاده شود. مسئولیت این نیروهای سیاسی، آن است که از موضع منافع مردم ایران به ارزیابی و در صورت امکان، استفاده از سیاست‌های قدرت‌های خارجی در قبال ایران بپردازند و به جای چشم دوختن یکجانبه به عوامل خارجی، یگانه راه غلبه بر استبداد و برقراری حکومت مردم در ایران را که همانا وفاق و همکاری ملی است، دریابند.

در اینکه منافع اروپا و آمریکا در خاورمیانه صد درصد بر هم منطبق نیست، تردیدی وجود ندارد. آمریکا، پس از تلاشی شوروی و به ویژه پس از ازپای در آمدن عراق در جنگ کویت بدین سو در کشورهای عربی جای پای محکمی برای خود دست و پا کرده است و فعلاً نه تنها نیازی به قدرت‌های احتمالی منطقه‌ای مانند ایران و عراق ندارد، بلکه می‌خواهد چنین کشورهایی هر چه ضعیف تر باشند تا متحدان آمریکا را "مجدوب" یا "مقهور" خود نکنند. این، محور سیاست "مهاردوگان" است. در مقابل، قدرت‌هایی مانند آلمان و ژاپن تا کنون در خاورمیانه که به لحاظ منابع مواد خام و موقعیت ژئوپلیتیک آن، حائز اهمیت درازمدت است، جای پای محکمی نداشته‌اند و می‌کوشند در این عرصه از رقیب آمریکایی خود عقب نمانند. تلاش جمهوری اسلامی برای خروج از انزوا، فرصت مناسبی است برای اروپا که از تهران امتیازات درازمدت بگیرد. بدون شک شکل سروسامان دادن به مسئله رشدی در مقایسه با این امتیازات درازمدت، حائز اهمیت کمتری است.

اما فرضیه اختلاف ارزیابی نیز به کلی منتفی نیست. همانگونه که در ارزیابی از مجاهدین، بین محافل مختلف درواشنگتن اختلاف وجود دارد، این امر نیز که در چه ابعاد زمانی می‌توان برای ایران، آینده‌ای بدون جمهوری اسلامی تصور کرد، می‌تواند موضوع تفاوت‌های جدی در تحلیل باشد.

برای فرضیه تقسیم کار در نحوه برخورد به ایران نیز می‌توان دلایلی بر شمر، از جمله اینکه کل غرب در پایان دادن به سیاست صدور انقلاب جمهوری اسلامی اشتراک منافع دارد و از وسائل مختلف - از تحریم گرفته تا تمهید مهلت‌دهی‌های جمهوری اسلامی در آزادی قول‌های مساعد - برای تحقق این هدف استفاده می‌کند. این نکته نیز قابل توجه است که در اجلاس سران هفت کشور صنعتی غرب در هفته گذشته، کلینتون دست به تلاش چشمگیری برای پیشبرد سیاست تحریم ایران نزد قابل تصورات است که آمریکا نیز مانند اروپا منتظر پاسخی است که قرار است فرستاده جمهوری اسلامی در هفته آینده با خود به اروپا بیاورد.

آتش سوزی در یک پمپ بنزین در تهران



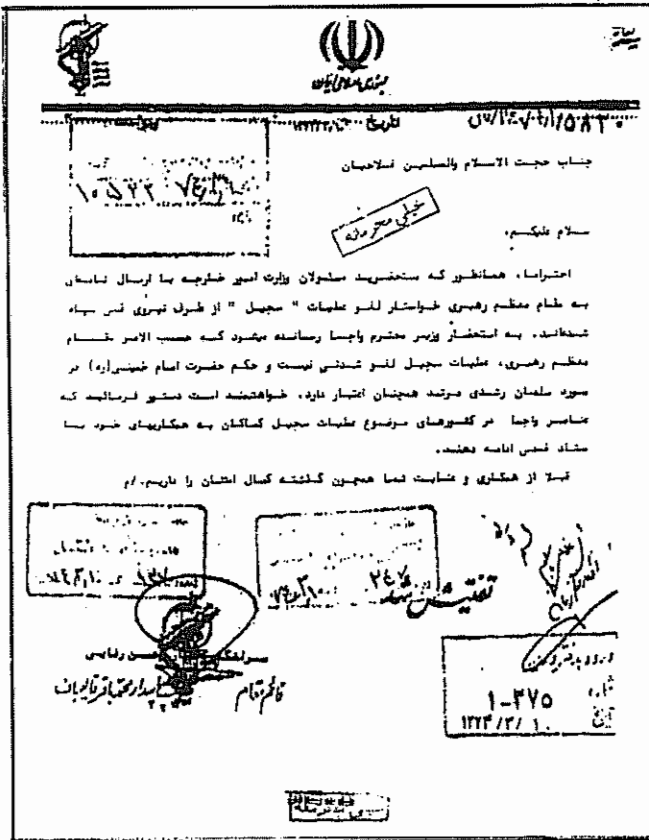
خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه ۱۵ خرداد آتش سوزی در یک پمپ بنزین در خیابان مجاهدین اسلام در تهران روی داده است. در این گزارش علت حادثه نامعلوم اعلام شده است. اما سازمان "پایک خرم دین" اعلام کرده است که علت آتش سوزی، بمب گذاری افراد این سازمان در پمپ بنزین و در راستای مخالفت با جمهوری اسلامی بوده است. بر اثر این آتش سوزی خسارات شدیدی به یک تانکر سوخت رسانی و چندین خانه ی مسکونی که به گفته ی رئیس آتش نشانی نکات ایمنی و حدود پمپ بنزین را رعایت نکرده بودند، وارد شده است.

نامه ای که در تهران دست به دست می شود

سپاه پاسداران:

سلمان رشدی را می کشیم!

بندتال مصاحبه محمود واعظی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مورد فتوای قتل سلمان رشدی، در ایران تصویر نامه ای دست به دست می گردد که مطابق آن عده ای از مقامات بلند پایه سپاه خواهان ادامه عملیات سنجیل، نام رمز عملیات ترور سلمان رشدی، شده اند. واعظی در مصاحبه با آژانس های خبری اروپا گفته بود رژیم اسلامی طی سالهای گذشته کسی را برای کشتن رشدی اعزام نکرده است و از این پس نیز اعزام نخواهد کرد. در نامه "خیلی محرمانه" که امضای قائم مقام سپاه سرتیپ پاسدار محمد باقر قالیباف را دارد و خطاب به فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری نوشته شده است، تاکید شده است که "عملیات سنجیل" لغو شدن نیست و از وزارت اطلاعات خواسته شده است که کماکان به همکاری خود با "ستاد قدس" ادامه دهد. تصویر نامه فوق در زیر آورده شده است:



نامه ۲۱۴ سینماگر برای لغو مقررات دست و پاگیر تولید فیلم در ایران

بیش از ۲۰۰ کارگردان و هنرپیشه سینمای ایران، در نامه ای از مقامات جمهوری اسلامی خواستند از مقررات دست و پاگیر اعمال کنترل دولتی بر تولید فیلم در ایران بکاهند. به گزارش روزنامه سلام، نامه مذکور که به امضای ۲۱۴ سینماگر و هنرپیشه رسیده است، خواهان حذف یا کاهش جدی مقررات دست و پاگیر و شیوه های پیچیده نظارت شده اند.

مصاحبه ی خبرنگاران نوجوان با رفسنجانی

به مناسبت روز جهانی کودک، روزاول ژوئن (۱۱ خرداد) امسال چند خبرنگار نوجوان روزنامه ی آفتاب گردان، نشریه ای که در ایران برای کودکان و نوجوانان انتشار می یابد، با هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران گفتگویی ترتیب دادند که بازتاب گسترده ای از آن خالی از لطف نیست. خبرنگاران نوجوان روزنامه ی آفتاب گردان دست نوشته های بچه ها را جمع آوری کرده و از میان آنها سوالات خود را برای رفسنجانی مطرح می کردند.

در اوائل مصاحبه یکی از خبرنگاران از رفسنجانی می خواهد که خاطره ئی از دوران کودکی اش تعریف کند و وی در جواب می گوید: والله، هیچ وقت فکر نکردم کدام خاطره برایم جالب تر است. بیشتر خاطره ی اولین روزی که به مدرسه رفتم، برایم مانده. چرا که با برادرم رفته بودیم مکتب، برایم خاطره ی شیرینی بود آن موقع رسم بود برای مدیران هدیه می بردند. شما که هدیه نمی برید؟

خبرنگار: خب، همان درس خواندن همان هدیه است! رفسنجانی: بله، ولی هدیه برای روزاول که می روید به مدرسه. خبرنگار: روزاول دسته گل می بریم. رفسنجانی: ما که رفتیم، همتان از شما بیشتر بود (؟) یک کله قند بردیم. آن موقع کله قند هم خیلی با ارزش بود زیرا جنگ جهانی دوم بود و ایران مشکلات زیادی داشت.

در ادامه یکی از خبرنگاران نوجوان می گوید: بدترین مشکل بچه ها که با ما تماس گرفته اند، گرانی بوده است. بچه های می گویند که مثلاً هزینه ی رفت و آمد ما به مدرسه ها یا لوازم التحریر، کتاب یا مثلاً قیمت خوراکی و بستنی و این چیزها بالاست. به نظر شما این مشکل بچه ها را چطور می شود حل کرد؟ رفسنجانی: بچه ها چه می خواهند بخزند که برایشان مشکل است؟

خبرنگار: مثلاً همین ثبت نام مدارس، لوازم التحریر، کتاب و رفسنجانی: مگر موقع ثبت نام، مدارس از شما پول می گیرند؟ خبرنگار: بله پول می گیرند. رفسنجانی: چقدر؟ خبرنگار: والله این رانمی دانم مثلاً برای سرویس از ما ۲۰ هزار تومان گرفتند. رفسنجانی: شما کدام مدرسه می روید؟ خبرنگار: مدرسه ی راهنمایی گشتاسب. رفسنجانی: خب، خصوصی

خبرهای کوتاه

مقررات فروش و انتقال ارز برای دانشجویان

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی دستورالعمل مربوط به مقررات فروش و انتقال ارز به دانشجویان ایرانی بورسیه و ارزبگیر مشغول تحصیل در خارج از کشور از عزامی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی صادر و به بانکها ابلاغ شد. نرخ ارز بر داختی هر دلار برای دانشجویان معادل ۱۷۵۰ ریال می باشد.

تعداد مدارس خصوصی ۵/۲ برابر می شود

مدیر کل آموزش و پرورش تهران ضمن اعلام هزینه ثبت نام مدارس غیرانتفاعی شهر تهران گفت که در حال حاضر ۲۰۰ مدرسه غیرانتفاعی (خصوصی) در تهران فعالیت می کنند که مجوز فعالیت ۲۰۰ مدرسه غیرانتفاعی دیگر نیز صادر شده است. وی مدارس تهران را به چهار دسته مدارس غیرانتفاعی، دولتی، نمونه مردمی و نمونه دولتی تقسیم کرد. وی شهریه مدارس غیرانتفاعی در مناطق مختلف شهر تهران برای مقاطع ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را اعلام کرد. شهریه ها در مناطق مختلف با هم تفاوت دارند بعنوان مثال برای منطقه شمال غربی، شهرک غرب و گیشا مقدار شهریه برای ابتدایی ۷۵۰ هزار ریال، برای راهنمایی ۹۰۰ هزار ریال و برای دوره متوسطه یک میلیون و ۱۵۰ هزار ریال می باشد در صورتیکه این ارقام برای منطقه ۱۵، ۷۰ هزار، ۱۰۰ هزار و ۱۵۰ هزار ریال تعیین شده است. بگفته وی مدارس دولتی فقط می توانند مبلغ هزار ریال بعنوان بیمه حوادث از دانش آموزان دریافت کنند.

مجتهد شبستری امام جمعه موقت جدید تبریز

طی حکمی از طرف خامنه ای محسن مجتهد شبستری (برادر محمد مجتهد شبستری) بعنوان امام جمعه موقت تبریز و نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی منصوب شد. ملکوتی امام جمعه قبلی تبریز قرار است برای کار در حوزه علمیه به قم منتقل شود.

محمد علی جمالزاده در بیمارستان بستری شد.

محمد علی جمالزاده پدر داستان نویسی جدید ایران بعلت بیماری ضعف به بیمارستانی در شهر زنوز منتقل شد و در حال اغما بسر می برد. نویسنده کتاب معروف "یکی بود، یکی نبود" ۱۰۲ سال سن دارد و از حدود ۷۰ سال قبل در شهر زنوز سوسیس زندگی می کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه وی علی رغم کهنولت سن تا قبل از انتقال به بیمارستان به نامه های که از نقاط مختلف جهان می رسید پاسخ می گفت.

میزان مجاز کالای همراه مسافران اعلام شد

بگفته مدیر کل گمرک مهر آباد کالای همراه مسافر (بجز اسباب سفرو لوازم شخصی) تا ارزش ۸۰ دلار و یکبار در سال با معافیت بازرگانی قابل ترخیص است. وی گفت کالا های بیش از این سقف فقط تا ۸۰ دلار دیگر آنهم با دو برابر سود بازرگانی قابل ترخیص است. چنانچه مسافری بیش از این مقدار (معادل ۱۶۰ دلار) کالا همراه داشته باشد قابل ترخیص نمی باشد و در صورتی که اظهار شده باشد مسافر تا چاربا بد تا تحمل هزینه های نسبت به برگشت دادن آنها اقدام کند و چنانچه اظهار نشده باشد و توسط بازرسی های گمرکی کشف شود مشمول تخلفات گمرکی می شود.

سیاستهای جدید ارزی و رکود صادرات فرش

مدیر عامل اتحادیه صادرکنندگان فرش اعلام کرد که سیاستهای جدید ارزی صنعت فرش و صادرکنندگان آثار با شک مواجه کرده است به گونه ای که آمادگی صادرات فرش را با توجه به شرایط حاکم از دست داده اند. وی اضافه کرد که در صورت عدم پذیرش پیشنهادات اتحادیه صادرات فرش با توجه به شرایط فعلی بار رکود مواجه خواهد شد. از طرف دیگر معاون بازاریابی مرکز توسعه صادرات ایران با تاکید بر اجرای سیاستهای جدید ارزی و صادراتی دولت گفت که برداشته شدن تعهد و بیمان ارزی از صادرات فرش موجب اشباع شدن این کالا در بازار شده و در نتیجه کاهش قیمت آثار بدتال داشته است.

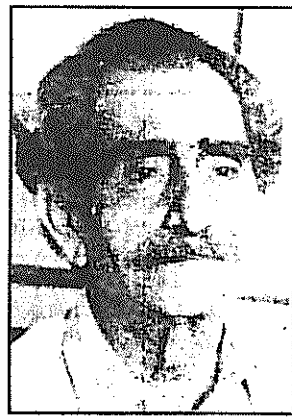
احداث پالایشگاه نفت در پاکستان

آقازاده وزیر نفت اعلام کرد که ساختن پالایشگاه نفت مشترک ایران و پاکستان مورد توافق دو کشور قرار گرفته است. بگفته وی قرار است این پالایشگاه با حدود یک میلیارد دلار سرمایه ساخته شود. وی همچنین گفت که ایران و پاکستان مذاکرات مربوط به ساخت خط لوله گاز را به پایان رسانده اند و قرار است با شرکت های خارجی برای مشارکت در این پروژه دعوت شود. این خط لوله گاز را از مخازن پارس جنوبی ایران به ایالت سند پاکستان خواهد رساند.

فروش ارز به بانکها اختیاری است

بانک مرکزی اعلام کرد که دولت خرید و فروش ارز خارج از شبکه بانکی ممنوع است اما مسافرانی که وارد کشور می شوند می توانند مقدار ارزی را که هنگام ورود داشته اند و در گذرنامه آنها قید شده است را از کشور خارج کنند.

کمانچه بهاری خاموش شد!



استاد اصغر بهاری

اصغر بهاری، استاد برجسته ی موسیقی و کمانچه نواز چیره دست ایران روز شنبه ۲۰ خرداد (۱۰ ژوئن) در تهران چشم از جهان فرو بست و بدینسان گستره ی موسیقی ایران در ظرف سه سال اخیر پس از احمد عبادی و جواد معروفی یکی دیگر از برترین چهره های خود را از دست داد.

استاد بهاری سال ۱۲۸۴ در تهران زاده شد و در پانزده سالگی در نواختن کمانچه به مهارت رسید. کمانچه در دهه های اول سده جاری با ورود ویلون تا حدودی از صحنه خارج شده بود، لیکن تلاش و جدیت بهاری در اجرای دل انگیز این ساز و تربیت تعداد زیادی شاگرد توسط وی مانع انزوا و فراموشی کامل این ساز شد. کار بهاری در کمانچه نوازی به حدی بالا گرفت که سال ۱۳۳۲ به رغم یک تازی ویلون نواها، به رادیو دعوت شد و روزهای دوشنبه هر هفته با صدای دلنشین و شور انگیز ساز خویش بسیاری را به شنیدن نوا کمانچه علاقه مند نمود.

استاد بهاری برای تقویت امکانات موسیقایی کمانچه سیمی به سیمهای آن اضافه کرد و با حضور در کنسرت های داخل و خارج از کشور استادی خود را به خوبی به نمایش گذاشت. وی در مرکز حفظ و اشاعه ی موسیقی ایران "شاگردان بسیاری تربیت نمود که علی اکبر شکارچی، سعید فرج پوری و... از برترین چهره های آنها به شمار می روند. محمدرضا شجریان نیز بخشی از دانش و مهارت های آوازی خویش را مدیون آموزشهای کمانچه نواز فقید ایران است.

برای تکمیل این بررسی باید گفت که جریان هویت منفصل واز خود بیگانگی فقط در دوران افراطی دریافت اجتماع حضور ندارد، بلکه در متون سینمایی اولیه ایرانی نیز می توان عملکرد آنها را تشخیص داد. با بازخوانی سومین فیلم داستانی بلند ایرانی، "حاجی آقا آکتور سینما" (۱۳۱۱) که توسط آوانس اوگانیانس ساخته شد، متوجه جریان پیدا شدن هویت منفصل که هم شیفتگی روانی و هم تناقض اجتماعی ای که سینما بوجود می آورد، می شویم. در این فیلم حاجی آقا که یک مرد مذهبی و سنتی است با سینما مخالف است. بطور کلی داستان فیلم راجع به تحولی است که در نظرگاه حاجی در اثر دیدن تصویر خود بر پرده سینما رخ می دهد. واقعه ای که وی را از یک مخالف با سینما به یک شیفته و مبلغ سینما تبدیل می کند. در اواخر فیلم، حاجی حرف او را تصدیق کرده جواب می دهد: "صحیح است. سینما یکی از مهمترین وسایل تربیت و تهذیب اخلاق عمومی است. چون من از این راه علاج شد. از امروز تمام قوای دماغی خودم را وقف این صنعت میکنم. (۲۹) در آخرین صحنه تماشاگران برای بازیگری حاجی و تغییر عقیده وی دست می زنند. این

داستان فراموش شدگان

گفتگویی با محمد شگری، نویسنده معروف مراکش

شخصی و طبقه ای است که از آن برخاسته ام. من نه نویسنده ای جهانی ام و نه حتی نویسنده ای مراکشی، بلکه تنها قلمزنی از اهالی طنجه ام. البته این حرف نه ظنی نیست نژاد پرستانه دارد و نه به گرایشهای ناسیونالیستی آلوده است. من با دیدگاه خاص خود درباره رمان، برای تمامی بشریت می نویسم. این دیدگاه هم مدیون کتابهای هستم که خوانده ام. برای من نه در تاریخ و نه در سن و فرهنگ استمرار و پیوستگی وجود ندارد، ناپیوستگی و استقلال داستانها و طرحهای کتابهای من که شما به آن اشاره کردید نیز محصول همین دیدگاه است.

تاتس: منظورتان کدام گسست ها و ناپیوستگی ها هستند؟ شگری: از استقلال مراکش در سال ۱۹۵۶ شروع کنیم که احساس و به همه افشار اجتماعي نیز سرایت کرد. بالاخره ما حق آموزش پیدا کردیم و اجازه یافتیم که خواندن و نوشتن بیاموزیم. اگر استقلال نبود شاید کار من هم به اعتیاد و بزهکاری می کشید. استقلال ما را بیدار کرد و فکر رفع فقر و محرومیت را به سرمان انداخت. خود من حتا تاریخ تولد را جعل کردم تا برای دبستان ثبت نام کنم. زیرا با ۲۱ سال سن کسی را به مدرسه راه نمی داد.

تاتس: منظورتان کدام گسست ها و ناپیوستگی ها هستند؟ شگری: از استقلال مراکش در سال ۱۹۵۶ شروع کنیم که احساس و به همه افشار اجتماعي نیز سرایت کرد. بالاخره ما حق آموزش پیدا کردیم و اجازه یافتیم که خواندن و نوشتن بیاموزیم. اگر استقلال نبود شاید کار من هم به اعتیاد و بزهکاری می کشید. استقلال ما را بیدار کرد و فکر رفع فقر و محرومیت را به سرمان انداخت. خود من حتا تاریخ تولد را جعل کردم تا برای دبستان ثبت نام کنم. زیرا با ۲۱ سال سن کسی را به مدرسه راه نمی داد.

تاتس: منظورتان کدام گسست ها و ناپیوستگی ها هستند؟ شگری: از استقلال مراکش در سال ۱۹۵۶ شروع کنیم که احساس و به همه افشار اجتماعي نیز سرایت کرد. بالاخره ما حق آموزش پیدا کردیم و اجازه یافتیم که خواندن و نوشتن بیاموزیم. اگر استقلال نبود شاید کار من هم به اعتیاد و بزهکاری می کشید. استقلال ما را بیدار کرد و فکر رفع فقر و محرومیت را به سرمان انداخت. خود من حتا تاریخ تولد را جعل کردم تا برای دبستان ثبت نام کنم. زیرا با ۲۱ سال سن کسی را به مدرسه راه نمی داد.

تاتس: منظورتان کدام گسست ها و ناپیوستگی ها هستند؟ شگری: از استقلال مراکش در سال ۱۹۵۶ شروع کنیم که احساس و به همه افشار اجتماعي نیز سرایت کرد. بالاخره ما حق آموزش پیدا کردیم و اجازه یافتیم که خواندن و نوشتن بیاموزیم. اگر استقلال نبود شاید کار من هم به اعتیاد و بزهکاری می کشید. استقلال ما را بیدار کرد و فکر رفع فقر و محرومیت را به سرمان انداخت. خود من حتا تاریخ تولد را جعل کردم تا برای دبستان ثبت نام کنم. زیرا با ۲۱ سال سن کسی را به مدرسه راه نمی داد.

انسان هم سرنوشت را به تصویر می کشم، و هنگامی که درباره یک فاشه می نویسم صداها فاشه را در ذهن خود مجسم می کنم. در واقع کار من نوشتن درباره انسان های فراموش شده ای است که در تاریخ نویسی رسمی ذکریشان آنها به میان نمی آید.

تاتس: نخستین بخش داستان بلند شما، "تان بی خورش" در غرب و یوپیژه در اروپا و آمریکا سردرگمی و شگفتی گسترده ای را در ذهن مردم آنجا را اوداشت که در اطلاعات خود پیرامون مراکش شک و تردید کنند.

شگری: بله. فقر و بدبختی توصیف شده در کتابهای من بسیاری را که از مراکش تنها سرزمین هزارو یک شب را در ذهن داشتند به شک و تردید دچار کرد. زیرا در این کتابها فقر و فلاکت مراکش در دوران پیش از استقلال را به تصویر کشیده شده است. امروز ما فقر دیگر به آن شکل وجود ندارد و بچه های بزرگ برای نان بلکه برای پول گدایی می کنند. در واقع بدبختی ابعاد دیگری به خود گرفته است.

تاتس: "دوران خطا" همچون "تان بی خورش" رمانی بسته و محدود نیست و با خودزیست نگاری های (autobiography) کلاسیک هم شباهتی ندارد. این کتاب از چندین طرح و داستان درهم تنیده و در عین حال مستقل تشکیل شده است. خود شما کتابهایتان را دارای چه سبکی می دانید؟

شگری: راست من به قواعد و معیارهایی که می گویند ساختار رمان یا داستان کوتاه یا نثر به این یا آن گونه باشد اهمیتی نمی دهم. از این رو برایم مهم هم نیست که کتابهایم دارای چه سبکی هستند. کار من نوشتن در باره محیط و تجارب می نویسم گویی که کودکی هزاران

محمد شگری در کنار طاهر بن جلون و فاطمه مرنیسی از نامدارترین نویسندگان مراکش به شمار می رود. دو کتاب معروف، شگری که به اکثر زبانهای خارجی ترجمه شده اند یعنی "تان بی خورش" و "دوران خطا"، رمانهایی هستند که در آنها هستی انسانهایی گرفتار در چنگال فقر و ناداری ترسیم شده و زوایایی از استعداد و سرکوب در ساختار اجتماعی و خانوادگی به تصویر کشیده می شود. شگری که اینک پانزده شصت سالگی نهاده در شهر طنجه مراکش زاده شده و به سبب فقر و ناداری تا بیست و یک سالگی سواد خواندن و نوشتن نداشته است. او تازه در این سن پیایه مدرسه می گذارد و شانزده سال بعد نخستین کتاب خود یعنی "تان بی خورش" را می نویسد. این کتاب گرچه در مراکش توقیف شد اما با ترجمه آن به فرانسه توسط بن جلون، در لیست کتابهای پرفروش جا گرفت و به بسیاری از زبانهای دیگر نیز ترجمه شد. از این کتاب هم اکنون در ایالتالیایی در دست تهیه است.

آنچه که در پی می آید بخش هایی از دو مصاحبه است که روزنامه های تاتس ۳۰۱ جولای ۱۹۹۴ و فرانکفورتر روندشاو ۲۵ مارس ۱۹۹۵ با شگری انجام داده اند.

تاتس: آقای شگری! شما جزء معدود نویسندگان مراکشی هستید که در آثارشان به توصیف فقر و ناپسا مانی ها می پردازند. جهان آثار شما عرصه حضور الکلی ها، فاشه ها و کارگران فصلی است. چه چیزی شما را به سرنوشت این اقشار حاشیه ای علاقه مند می کند؟ شگری: من درباره این قشر می نویسم، زیرا خود نیز محصول آنم. دنیای من، دنیای زرد و فواخس است. آنچه که من توصیف می کنم فقر و فلاکتی است که با پوست و گوشت خود تجربه کرده ام. هنگامی که درباره کودکی خود می نویسم گویی که کودکی هزاران

در پیوند با صد سالگی سینما

سینما و هویت ملی

حمید نفیسی به نقل از مجله کنکاش قسمت آخر

ایرانیان در مقابل غریبان، و بدست آوردن حمایت دولتی زمانی برای فیلمها نشان استفاده می کردند. اضافه کردن مقدمه و مخره ای به اولین فیلم ناطق فارسی، "دختر لر" (۱۳۱۱) ساخته عبدالحمین سینتا و اردشیر ایرانی، که در آن ایران امروز با ایران دپروز مقایسه می شود و به ترقیات مملکت در دوران رضاشاه اشاره می شود را باید جزئی از این استراتژی بشمار آورد.

تا نیرم مناقض سینما را نه تنها در درون افراد، دریافت اجتماع و یاد در متون سینمایی می توان مشاهده کرد، بلکه می توان آنرا در ادبیات مدرن و در دیدگاههای نویسندگان متجدد نیز دید. رضا براهنی در دوران جنگ دوم جهانی در سن ۱۸ یا ۹ سالگی برای اولین بار در میدان در شهر تبریز با پرده سینما رویرو می شود. نگرانیهایی که این نگرش بر پرده در وی و به قول او احتمالا در غلامحسین سعادی هم وجود آورد بی شباهت به تاثیر سینما بر صحافباشی، مظفرالدین شاه، جمالزاده، معتضدی، و هویدا نبود:

دیگری امتحان کردیم. دهه شصت که هبیبی گری در غرب رواج یافت، گسست دوباره ای در رفتار و عادات های ما بروز کرد. هبیبی ها با نین کردن لباس سنتی ما در واقع چیزی را احیا کردند که خود ماتحت عنوان تجدد و پیشرفت نفی اش کرده بودیم. این روند ما را به سردرگمی دچار ساخت، زیرا که چشممان به غرب بود و حالا می دیدیم که همپایی با هبیبی های غرب، یعنی بازگشت به گذشته خویش برایمان دشوار است. خلاصه اینکه تاریخ ۳۵ ساله استقلال ما بسان تاریخ پنجهزار ساله امان از انبوهی از جهش ها و حرکت های غیر منسجم تشکیل شده که شاخص آغاز هر جهش سلطه یک نیروی خارجی است: اول عرب ها، بعد اسپانیاییها، بعد ترانسویها و خلاصه فرهنگهای بیگانه.

تاتس: در کتاب جدیدتان (دوران خطا) نیز بیان کتاب "تان بی خورش" رابطه با پدر و مادریکی از موضوعات اصلی است. آیا روابط ناعادلانه خانوادگی که شما توصیف کرده اید، در مراکش امروز نیز وجود دارد؟

شگری: مادر من در خانواده یک قربانی بود. من هیچگاه ندیدم پدرم همچون او کارهای سخت و طاقت فرسا انجام دهد. در حالی که مادرم رنج و سختی می کشید، پدرم از این کافه به آن کافه می رفت تا در باره فهرمانی های پایش در جنگ داخلی اسپانیا و اراجی کند و حرف های بی بند که جز لاف و گراف چیز دیگری نبود. این ساختار پدرسالارانه هنوز هم در مراکش برقرار است. هنوز هم اینجا کار زن ها سخت تر و پرنج تر از مرد ها است. البته این مشکل تنها مربوط به زنان نیست، بچه ها نیز از آن در رنجند. مرد ها بچه تولید می کنند تا بپری خود را تضمین کنند، بعد که بچه ها بزرگ شدند یکی را به قتل و دزدی می فرستند و دیگری را به گدایی وامی دارند. در واقع در برخی از محافل اجتماعی بچه ها تنها وسیله و ابزارند. منظورم محافل هستند که یک روز مجتبی برای خوردن دارند و روز بعد دوباره هشتاد نفر گرونی اشان است.

برتری گرفت و در سطوح مختلف اجتماعی رسوخ کرد. در عین حال همانطور که دیدیم این برتری شامل بدبستانها، تنش ها و میادله های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیاد بود که به یک برتری کامل و تمام نینجامید چرا که در طی آن که خود کاملاً با غیر شد و نه توانست به گذشته با به خود سنتی بازگردد. سینما چون بسیاری دیگر از نهاد های مدرن و مدرنیسم در فردیت یافتن ایرانیان یعنی در تجدید خود و پذیرش تجدد شرکت داشت. اما این خود جدید دیگر نه آن خود آمیخته است که از خود های مختلف که در تلاقی، همسانی، و انفصال دایم یا یکدیگر هستند تشکیل شده است. این خود با هویت متناقض، هم امکان آزادی و بازی و هم مسئولیت خود سازی را در اختیار فرد می گذارد. در چنین وضعیتی، هویت دیگر عنصری یا چیزی بیکارچه نیست بلکه "جریانی" است موقتی و قابل تغییر. در چنین شرایط ناپایداری، هم عشق به آزادی و رهایی و هم عطش بازگشت به ریشه ها و ثبات، هم امید به آینده و هم غم غربت و غبطه خوردن به گذشته محتوای جنبش های اجتماعی و کارهای ادبی و سینمایی عصر خود می شوند.

به علت محدودیت صفحات نشریه و تعداد زیاد نویس ها از درج آنها معذوریم. خوانندگان علاقه مندی می توانند به نشریه کنکاش شماره ده رجوع کنند.

مصاحبه "کار" با فریدون احمدی، ف. تابان و فرخ نگهدار

پیرامون مسایل خط مشی سیاسی

کنند.

شما برای نیروهایی که در داخل کشور هستند، شرکت را توصیه می کنید یا برای نیروهایی که در خارج هم هستند این توصیه را دارید؟
طبعاً شرکت از خارج از کشور در فلان حرکت اعتراضی مثلاً در اسلام شهر بلا موضوع است. اما بر دو نکته می خواهم تاکید کنم. یکی اینکه تقسیم نیروها به داخل کشوری و خارج کشوری درست و واقعی نیست. پیوندها و نیازها اکنون بیشتر از آن است که از یک دیوار سخن گفت. دوم اینکه نیروی خارج از کشور به دلیل امکانات خبررسانی اش می تواند در راستای غلبه بر همان روحیه بیگانگی یا حرکت های اعتراضی تلاش و تاثیر داشته باشد.

ارزیابی شما در مورد میزان تاثیر پذیری نیروهای سیاسی، در این مورد مشخص، نیروهای هوادار سازمان در داخل کشور از این رهنمود چیست؟
من مساله را تعمیم می دهم، نه فقط هوادارن سازمان در داخل کشور. بر اساس گزارش ها، مجموعه نیروهای روشنفکری داخل کشور نسبت به این حرکت ها احساس بیگانگی دارند. و به نظر من این چیز مثبتی نیست. طبعاً فعالین سازمان هم تاثیر پذیری کمی از این رهنمود خواهند داشت. غلبه بر آن روحیه هم زمان می طلبد و هم بالا گرفتن سطح اینگونه حرکت ها و جنبش ها را و اینکه آنها به عینه ببیند جنبه های تخریبی اینگونه حرکت ها تنها با شرکت مؤثرتری می تواند زائل شود و تخفیف پیدا کند و نه با فاصله گیری و نفی آن ها که درست به خلاف آن نتیجه ای منجر خواهد شد که ظاهراً دلیل وجود این روحیه تلقی می شود. بلکه کمی تاثیر این رهنمود واقعی است نه فقط در هواداران سازمان بلکه کلاً مجموعه روشنفکران کشور نسبت به چنین فکری فاصله دارند.

شما تحول اوضاع سیاسی را، مثلاً همین تحریم آمریکا و فاصله گیری اروپا از این سیاست را یا شقاق در درون حکومت با امکان بهره گیری از این شکاف را و یا پیوستن بخشی از نیروهای حکومت به نیروهای اپوزیسیون را در تغییر روحیه مردم و سیاسی شدن اعتراضات آنها چه میزان مؤثر می بینید. کدام ورزش بیشتر است؟
عواملی که ذکر کردم به عنوان دلایل منحصر بفرد یا حنادر مقطعی مهمترین دلایل نیستند. در درازمدت این عوامل مورد تاکید من هست اما هم اکنون شاهد حرکت هایی هستیم، بطور مثال نامه ۸۶ تن از شخصیت های سیاسی با حرکت های دیگری از این دست که انجام پذیرفته. امکان بروز این ها را نمی توان مستقیماً به شرایط ایجاد شده ناشی از حرکت های اعتراضی مردم و تاثیرات آن نسبت داد یا در درجه اول به آنها نسبت داد.

مجموعه شرایطی از جمله پذیرش شدن این درک در جمهوری اسلامی که بدون کسب حمایت اروپا در شرایط تحریم اقتصادی آمریکا، خدمات و اثرات جدی و خرد کننده ای بر رژیم وارد خواهد آمد، آنها را به این نیاز کشانده که در نتیجه های را حداقل برای تبلیغ و برابری کسب نماید اتحادیه کشورهای اروپایی باز کنند. در این مقطع این عوامل عوامل مؤثرتری بوده اند تا بطور مستقیم حرکت های اعتراضی مردم.

می پردازم به موضوع اتحادها. اتحادی که بین ما و سایر مخالفان رژیم که خواهان استقرار جمهوری پارلمانی هستند و در خارج کشور فعالیت می کنند، تا چه میزان می تواند مورد اتکا و اعتماد نیروهای داخل کشور مثلاً ۸۶ نفری حلقه ها و محافل دیگری که وجود دارند، جهت رهبری جنبش سیاسی قرار بگیرد؟
من بین مخالفان در خارج و داخل کشور چنین دپواری نمی کشم.

نظریه یگانگی بین این دو من این سؤال را می کشم نه فاصله ای که بین آنها وجود دارد
سوال شما درست عکس تا کیدی که بریگانگی داشتید، بردگانگی دلالت دارد. کشیدن دیوار چین بین آنها بی که خارجند و آنها بی که داخل هستند. واقعیت این چنین نیست و در داخل و هماهنگی و نیاز متقابل جدی وجود دارد، سازمان یافته نیست اما وجود دارد، و امید جدی هست که این هماهنگی با عطف توجه به محظورات و الزاماتی که فعالیت در ایران و زیر تیغ جمهوری اسلامی دارد، بتواند شکل جدی تر و علنی تر به خود بگیرد و همانطور که عرض کردم به امیدی تبدیل شود. این آلترا تیبو قطعاً نیروی اصلی در داخل کشور خواهد بود. و نیاز جدی و بسیار جدی هم به فعالیت در خارج از کشور و وجود بخشی از بیکران در خارج از کشور خواهد داشت.

با توجه به اینکه شما می گویند، پایه اصلی آلترا تیبو دموکراتیک در داخل کشور باید پی ریزی شود و پایه گذاری شود آیا فکر می کنید در تلاش ما از خارج از کشور باید تغییراتی داده شود تا بتواند مشارکت مستقیم در استقرار این آلترا تیبو داشته باشد یا نه در وضع فعلی هم امکان پذیر هست، نظر به محظوراتی که در ارتباط گیری ما با داخل کشور وجود دارد؟
قطعاً اما نه به قیمت با گذاشتن بر اهداف و محدود شدن به مثلاً پذیرش همی سیاسی بخشی از اپوزیسیون

در راستای طرح ایده ها و نظرات موجود در سازمان در زمینه مسایل خط مشی سیاسی به مثابه گامی در راه چهارمین کنگره سازمان، نشریه کار مصاحبه هائی باتنی چند از اعضای شورای مرکزی ترتیب داده است که در این شماره نشریه کار و نیز در شماره های آتی به تدریج درج خواهد شد. در این شماره پاسخ های رفقا فریدون احمدی، ف. تابان و فرخ نگهدار از نظر شما می گذرد. امید است که طرح این مباحث به مشارکت فعالتر فعالین سازمان در این مباحث یاری رسانند. در این راستا بجا است یاد آور شویم که نشریه کار خواهد کوشید چنانچه مشارکتی یا اظهار نظری پیرامون مسایل مطروحه از سوی خوانندگان نیز برای ما ارسال شود در حد امکانات نشریه آن نظرات را نیز در صفحات نشریه بازتاب دهد.

فریدون احمدی

در آستانه تشکیل کنگره چهارم هستیم، نظر شما در مورد خط مشی سیاسی سازمان و جهات لازم به تدقیق و یا تغییر آن چیست؟

قبل از ذکر جهات لازم به تدقیق خط مشی سیاسی سازمان در کنگره چهارم، تبیین مختصر مبانی آن ضروری است. این مبانی را که به نظر من از کنگره نخست اساس خط مشی سازمان را تشکیل می داده است، می توانم در این بیان خلاصه کنم: تلاش در راستای ارزش ها و اهداف سیاسی بر مبنای چشم اندازها و ارزیابی های واقعی موجود، یا پیگیری اهداف بر پایه یک ارزیابی معین از شرایط.

استقرار دموکراسی و مردم سالاری در ایران، نشان دادن انسان سالاری و حرمت و شأن خدشه ناپذیر انسان در جایگاه شایسته آن در جامعه، توسعه کشور، گسترش عدالت اجتماعی، برابر حقوقی زن و مرد و دفاع از منافع ملی در جهانی بهم بسته و بهم پیوسته. این ها خطوط کلی اهداف ما و نیاز مردم ما را تشکیل می دهند. این اهداف و نیازها از یک سو و آزادی دیگر استبداد فقهائی حاکم بر کشور و این ارزیابی که رژیم جمهوری اسلامی فاقد پتانسیل لازم برای پذیرش تغییرات بنیادی است، خط مشی سازمان ما را بر این موضع قرار داد که خواهان طرد و نفی و برکناری جمهوری اسلامی باشد. آن اهداف و این ارزیابی بنیاد خط مشی ما را تشکیل می داده است.

ایدئولوژیک بودن و انکار رژیم بر ولایت فقیه، عمق ورطه هولناکی که بر اثر عملکرد رژیم و سیاه طویل کارنامه ۱۶ ساله آن میان مردم و حکومت ایجاد شده است، موقعیت ویژه ملایان و منافع اقشار نوکیسه ای که تنها در چنین سیستم از نظر اقتصادی غیر عقلایی می توانند چنین غارتگرانه به حیات اقتصادی خود ادامه دهند، دلایلی هستند که در این زمینه پایه استنتاج و ارزیابی مزبور در مورد ناتوانی کلیت رژیم در پذیرش تغییرات اساسی را تشکیل می دهد.

سیر رویدادها و تجربه شش سال گذشته از کنگره اول تا کنون از این نظر، مؤید صحت خط مشی سازمان و مناسفانه مؤید درستی ارزیابی فوق الذکر بوده است و خوشبختانه دیدگاه و مشی ای که به اعتقاد من بر اساس ارزیابی خلاف آن استوار بود و تبدیل شدن به اپوزیسیون قانونی را امکانی واقعی می پنداشت، نتوانست طی کنگره های گذشته سیاست رسمی سازمان گردد.

اکنون سؤال این است که شرایط و پارامترهای جدید کدامند؟ وجه تدقیقات و تغییراتی را در خط مشی سازمان ضروری می سازند.

بحران در کشور در همه عرصه ها حادث بی سابقه ای یافته است. همپا با آغاز شکل گیری جنبش سیاسی در داخل کشور و گسترش جنبش های خود انگیخته مردم، بحث ها و مواضع متفاوت در این زمینه ها در میان نیروهایی که در داخل کشور امکان حضور کم و بیش علنی دارند نیز بازتاب یافته است. نمونه آن بحث ها و مواضع پیرامون نامه اخیر ۸۶ تن از شخصیت های سیاسی کشور که اکثر آنها به نهضت آزادی نزدیکند، قابل ذکر است. فکر می کنم تفاوت مواضع در این زمینه ها بین آنها نشد پذیرش خواهد شد. یک گرایش خواهد کوشید فعالیت هایش را در راه ایجاد و استقرار بر برخی آزادی ها در جمهوری اسلامی محصور دارد. و گرایش دیگر ضمن تائید حرکت های نخست و پشتیبانی از آنها، خواسته ها و اهداف خود را در چارچوب نظام کنونی محدود و عملی نمی یابد و به سوی سلب حاکمیت از رژیم کنونی سمت گیری می کند. به اعتقاد من مادر کنگره آتی خود در این راستا می یابست بر مشی خود صراحت بخشیم و اساس خط مشی سیاسی خود را ایجاد آلترا تیبوی از نیروهای جمهوری خواه دموکرات در داخل و خارج از کشور قرار دهیم. حداث بحران سیاسی، اقتصادی در کشور به نظر من این وظیفه را روز بروز خطیرتر می کند. من بهیچ وجه با طرز فکری که تلاش در راستای تشکیل یک جبهه آلترا تیبو را نفی می کند، آن را قائل نشدن حق حیات برای بنیاد گرای اسلامی و دیگر آلترا تیبوهای موجود یعنی سلطنت طلبان و مجاهدین تبلیغ می کند. از آن مشی سرنگونی فهر امیر استنتاج می کند و وظیفه ما را تنها به ارائه آلترا تیبو فکری تنزل می دهد، موافق نیستم.

داخل و بریک نکته نیز تاکید کنم: از هر امکانی برای رخنه درد بوار استبداد ما هم باید استفاده بکنیم. بدین معنا که هر زمان شرایط هر حد حضور علنی در داخل کشور وجود داشته باشد، ما هم باید آمادگی داشته باشیم. ولی این تماماً منوط و مشروط است به همان راستای اساسی خط مشی ما. بدین معنا که مواضع ما باید به روشنی توضیح گر این مساله باشد که حکومت کنونی در حل بحران همه جانبه و در پاسخ گویی به خواسته های اساسی مردم به بن بست رسیده است و بر این مبنای تنظیم تا کنیک کنیم.

می رسمیم به بخش دوم سؤالاتی که می خواستم طرح کنم و آن مربوط به رابطه ای است که از امروز تا لحظه تشکیل آلترا تیبو باید بین تلاش های سازمان برای تشکیل آلترا تیبو و ارتباط این آلترا تیبو با آلترا تیبوهای دیگر و راه حل های دیگر که مطرح اند برقرار شود. نظر شما درباره این ارتباطات چیست؟
سوال را به دو بخش تقسیم می کنم: نحوه تنظیم رابطه سازمان با آلترا تیبو دیگر: مجاهدین و سلطنت طلبان و نحوه تنظیم ارتباط آلترا تیبو نیروهای جمهوری خواه دموکرات با آلترا تیبوهای دیگر. بخش دوم سؤال معطوف می شود به ایجاد یک توافق، تلاش در راه ایجاد یک توافق بر سر نحوه انتقال قدرت که فکر می کنم جدا گانه باید پاسخ داد.

نخست در مورد سازمان مجاهدین فکر می کنم سه شاخص نشان دهنده ماهیت یک نیروست: روایتی که در میان اعضایش جریان دارد، رابطه ای که با دیگر نیروهای سیاسی برقرار می کند و روایتی که با مردم کشور خود و منافع آنان ایجاد می کند. در هر سه این عرصه ها سازمان مجاهدین خلق کارنامه ای بسیار منفی ارائه کرده است. وظیفه ما در جایگاه نخست، مبارزه با این وجوه و سیاست های غیر دموکراتیک است و خطری که این نیرو

برای استقرار دموکراسی در کشور دارد. من ارزیابی به قدرت رسیدن مجاهدین در ایران را ندارم اما احتمال آنرا نیز نمی توان بکلی نفی کرد. در شرایط وجود یک خلاء قدرت و یا اتکاب به حمایت های بین المللی و وضعیتی که این نیرو دارد و به خاطر عصیان زدگی و بی اساسی مفرط به آینده در بخش های اجتماعی ما، این نیرو شانس هایی برای کسب قدرت سیاسی دارد. در این صورت، در راه استقرار دموکراسی در کشور و حل مسائل بنیادی کشور بهیچ وجه گامی به جلو برداشته نشده است. ما این خطرات و این سیما را بعنوان یکی از پایه های سیاستمان در قبال مجاهدین باید بازتاب دهیم. اما بر واقعیت و تجربه دیگری نیز باید انگشت گذاشت و در این زمینه، هم نیروی بنیاد گرای اسلامی منظر هم هست و هم نیروی مجاهدین خلق. در شرایط استقرار یک حکومت دموکراتیک یک نیروی سازمان یافته و تشنه قدرت اگر مواضعش بر تقابل قهر آمیز با آن حکومت قرار گیرد، می تواند تمام روند استقرار دموکراسی و سازندگی در کشور را با اختلال جدی مواجه کند. بنا بر این از هم اکنون باید آنچنان روایتی تنظیم کرد که به سهم خود کوشیده شود رابطه در آن زمان به آن تقابل نیانجامد. بر این اساس، در چارچوب کلی تری بیان کنم ما نیاز به یک میثاق عمومی داریم، میثاقی که بر مبنای آن آلترا تیبوها و نیروهای سیاسی گوناگون بر سر یک مساله مهم بتوانند به توافق برسند و آنهم مساله نحوه انتقال قدرت است. ارزیابی این را ندارم که جمهوری اسلامی و با مجاهدین ظرفیت و توان پذیرش این میثاق را دارند. ولی اعلام این از نظر سمت گیری ما اهمیت دارد، ضمن اینکه این امر بخشی از مبارزه فرهنگی و وظیفه مستمر ما در راستای ایجاد یک فرهنگ پیشرفته دموکراتیک در جامعه مان تشکیل می دهد که بجای روش های تخریبی و قهر، مبارزه سیاسی متمدانه تنظیم کننده مناسبات بین نیروها باشد.

آیا شما در روندی که جنبش دموکراتیک در پیش دارد توافق با حکومت جمهوری اسلامی را برای برگزاری انتخابات آزاد ضروری می بینید یا نه و آیا ممکن می دانید یا نه؟ منظور من از انتخابات آزاد انتخابات تعیین نظام است.

پذیرش انتخابات آزاد برای تغییر نظام خود به مثابه پذیرش و تا کید بر ضرورت توافق با جمهوری اسلامی است و نه امکانش و تا کید بر اینکه باید در این راستا تلاش بشود. اینکه آیا جمهوری اسلامی زمانی به این مرحله خواهد رسید و این امکان فرضی امکانی واقعی خواهد شد، بستگی به عوامل بسیاری از جمله سطح اعتراضات مردم و حد سازمان یافتگی آن، توان جنبش سیاسی، شرایط بین المللی، عمق شکاف در حاکمیت و... دارد می شود از این بحث این نتیجه را گرفت که تشکیل مجمع توافق ملی برای برگزاری انتخابات نظام مقدم بر استقرار جمهوری پارلمانی است؟

وقتی جمهوری پارلمانی استقرار پیدا کرده باشد طبعاً، تشکیل مجمعی که بخواند نوع نظام را تعیین کند، بی معناست.

یعنی کدام راه حل را شما می خواهید در ایران پیش برود؟
ما ضمن اینکه از هم امروز همرا با دیگر نیروهایی که

پیرامون مسایل خط مشی...

بقیه از صفحه ۹

علت امتناع من از توافق با این خط مشی ابهامی است که در آن وجود داشته است. اما وقتی ما از خط مشی صحبت می‌کنیم، باید در مورد چگونگی این انتقال از یک نظام به نظام دیگر نظروشن ارائه دهیم. این صراحت در آن خط مشی نیست و بدلیل همین عدم صراحت من نمی‌توانم با آن موافق باشم.

این که باید نیروهای ملی و چپ با یکدیگر متحد شوند، جهت گیری واحد اتخاذ کنند و پایه تاسیس جمهوری پارلمانی در ایران نیز چنین نیرویی خواهد بود به نظر من فکر صحیحی است و راهی جز این نیست. هر نظامی باید نیروی خاص خودش را داشته باشد تا امکان استقرار پیدا کند.

بعضی که من مطرح می‌کنم به هیچ وجه مخالفت با اتحاد نیروهای طرفدار جمهوری پارلمانی نبوده و نیست، مخالفت با این اتحاد مخالفت با فراهم کردن زمینه دموکراسی است. هم در آن و مقاله و هم در نوشته‌های دیگر نشان داده‌ام که تا چه حد نیاز به این اتحاد ضروری و جدی است.

روش تشکیل این اتحاد و تاسیس رهبری سیاسی واحد البته در اسناد مصوب کنگره و ادبیات سیاسی که ما مروج آن هستیم به اندازه کافی روشن نیست.

به نظر من باید رهبری سیاسی نیروهای ملی و دموکراتیک از طریق فعالیت فکری و سیاسی، از طریق فعالیت معنوی بی‌گرفته شود و نه با ساختن از بالا و به شیوه بوروکراتیک. مذاکره رهبران با یکدیگر و توافق آنها البته ضروری است اما به هیچ وجه کافی نیست بلکه فعالیت فکری و سیاسی عناصر رهبری، پاسخگوی آن سیخ است.

باید کار در پایین صورت پذیرد. نکته دوم این است که باید تفهیم که اگر خواهیم که فکر فرمیستی، اصلاح طلب و مسالمت آمیز پیش برویم پایه‌ی آن باید در داخل کشور باشد.

تاسیس رهبری سیاسی در خارج کشور و نیروهای داخل را از خارج رهبری کردن قطعاً با خط مشی فرمیستی فاصله خواهد داشت و خط مشی سرنگونی از طریق اعمال زور را جایگزین خواهد کرد. این دو نکته در گفته‌های مادر کنگره سوم تصریح نشده و باید تصریح شود. البته بحث بسیار وسیع تر است که در این جا فرصت باز کردن آن نیست.

در این میان اما نقطه ابهام اصلی در خط مشی ما رابطه راه حل نیروهای ملی و چپ با سایر راه حل‌ها یعنی راه حل سلطنت، مجاهدین و ولایت فقیه است. کنگره سوم بر ضرورت توافق با این سه نیرو به این سازماندهی گذار از نظام موجود به نظام جایگزین تاکید و تصریحی ندارد.

کسی که پیرو خط مشی کنگره سوم است نمی‌داند هنوز یک توافق با طرفداران جمهوری اسلامی در آینده در افاق می‌آید یا نه و این را باید روشن کرد. و نه تنها با جمهوری اسلامی، بلکه با نیروهای دیگری که استقرار نظام سیاسی دیگری جز جمهوری تمام‌الانتخابی را طلب می‌کنند. توافق با آنها هم برای نحوه گذار از استبداد موجود به نظام جایگزین ضروری است.

من فکر می‌کنم سازمان باید خط مشی در پیش بگیرد که در آن تصریح شود برای گذار از نظام ولایت فقیه به نظام جایگزینی مجمع توافق ملی که یک رکن آن نیروهای ملی و دموکراتیک و چپ تحت رهبری واحد خواهد بود، قطعاً در آینده باید تشکیل گردد. اینها نکات عمده‌ای است که در خط مشی سیاسی سازمان مهم است و باید تصریح شود.

به عبارت دیگر شما با هدف اساسی خط مشی مصوب کنگره سوم یعنی بر کناری جمهوری اسلامی موافق هستید ولی در مورد چگونگی رسیدن به این هدف و شیوه‌هایی که باید اتخاذ شود معتقد هستید که خط مشی جواب دقیق به مسائل نمی‌دهد.

هدف صد درصد درست است. تنها وازه بر کناری شاید از این نظر که استنباط‌های دیگری ممکن است از آن به عمل آید و خود این صراحت را که استقرار دموکراسی به جای رژیم موجود را به همین شکل به ذهن تیار نمی‌دهد من با آن زیاد اخت و نزد یک نیستم. درست تر این است که استقرار دموکراسی به جای نظام ولایت فقیه را مورد تاکید قرار دهیم ولی تا آنجایی که من شناخت دارم نیروهای

سازمان بخصوص برداشت نمایندگان کنگره سوم عموماً واحد بود. آنها از وازه بیان دادن عمر ما تا یکدیگر بر اعمال قهر را استنباط نمی‌کردند. ولی من پیشنهاد می‌کنم به جای بر کناری رژیم جمهوری اسلامی به این دلیل که خود نیروهای طرفدار آن باید در مجمع توافق همگانی مشارکت داده شوند، از عبارت استقرار دموکراسی به جای نظام مبتنی بر ولایت فقیه نام ببریم تا این ابهام در اذهان موجود نیاید که ما می‌خواهیم اول رژیم موجود را سرنگون کنیم - برچینیم و بعد با سلب حق مشارکت طرفداران حاکمیت روحانیت در انتخابات مربوط به تاسیس نظام، آن انتخابات را برگزار کنیم.

من می‌خواهم اشاره‌ای بکنم به اختلافاتی که بعد از کنگره دوم سازمان پدید آمد. در آن کنگره این نظر پدید آمد که ما نباید در برابر جمهوری اسلامی آلترا ناسیونالیست معرفی کنیم و این ارزیابی اساساً متکی بر این بود که در آن دوره یک امیدواری نسبت به یک جناح در حکومت جمهوری اسلامی و اقداماتی که جناح رفسنجانی می‌کرد وجود داشت. این نه تنها در سازمان، بلکه در سطح جنبش دموکراتیک وجود داشت. شما فکر می‌کنید اختلافاتی از آن اسم بردید تا چه اندازه متکی بر یک چنین امیدواریایی بود که تحولات را بتوان به اتکای آن جناح پیش برد. امروز ارزیابی شما از آن اختلافات چیست و آیا امروز هم بازمی‌توان بر آن امیدواریها متکی شد و راه اصلاحات را از داخل رژیم گشود؟

برای اینکه دقیق تر سوال مطرح شود به نظر من ضروری است که روی دو وازه از این سوال شما تاکید شود. یکی امیدواری و دیگری اصلاحات از درون رژیم. اگر از من بپرسید که در کنگره دوم امیدواری به اصلاحات از درون رژیم وجود داشت یا نه، من پاسخ می‌دهم در قلب و روح من آری این امیدواری به اصلاحات وجود داشت. ولی اگر می‌پرسید که این امیدواری به چه بود؟ به گذار از استبداد به دموکراسی بود و استقرار نظام جمهوری پارلمانی از درون خود رژیم به جای رژیم مبتنی بر ولایت فقیه بود، من پاسخ می‌دهم نه. یک چنین امیدی و یک چنین ارزیابی در قلب و روح من از زمانی که تقدم مبارزه برای دموکراسی را پذیرفته‌ام هرگز وجود نداشته است. آنچه که محور امید من بوده و بعد عدم امکان تحقق آن اثبات شد موضوع برتری نهاد ریاست جمهوری به نهاد رهبری (ولایت فقیه) بود. موضوع امکان غلبه ارگان‌های اداره کننده کشور بر ارگان رهبری کننده مطرح بود. اگر چنین می‌شد یک گام به پیش بود.

به عبارت دیگر شما این امیدواری را داشتید که با تسلط نهاد ریاست جمهوری بر ولایت فقیه حکومت جمهوری اسلامی از یک حکومت دیکتاتوری مذهبی به یک حکومت معمولی تبدیل شود. آیا به نظر شما این یک تحول جدی در ساختار حکومت جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و می‌توانست خط مشی ما را در مورد این رژیم تغییر دهد؟

من تاکید کردم که خط مشی سیاسی ما با این تحول نمی‌توانست پایان یافته تلقی شود. چرا که دموکراسی در مرکز توجه آن است. این تحول به معنای آزادی احزاب سیاسی، انتخابات آزاد و استقرار رژیم مبتنی بر انتخاب آزادانه‌ی مردم نبوده و نیست. اما از نظر مشکلاتی که گریبانگیر کشور است، از نظر مصالح پیشرفت اقتصادی، برای پاسخگویی به مسائل مربوط به اداره امور کشور، به نظر من تضعیف سلطه روحانیت و فقه در حاکمیت یک تحول مثبت بود.

شما فکر می‌کنید این ارزیابی ناشی از عدم شناخت جمهوری اسلامی بود یا فکر می‌کنید یک موقعیتی پیش آمده بود که نیروهای بوروکرات می‌توانستند به پیروزی هم برسند ولی این موقعیت از دست رفت. من با نظر دوم موافقم. در انتخاب تا کنیک سیاسی عناصر تعیین کننده این نیست که امکان دست یابی به خواسته مورد نظر امکانی قطعی است یا امکانی احتمالی. به نظر من درست بوده و درست هست که مادر مثنی سیاسی خود از حمله‌ی به نهاد ولایت فقیه و مقابله با تسلط همه جانبه معممین بر حکومت شروع کنیم. در این کار نباید

تردید کرد. در آن تلاشی که برای تغییر توازن قدرت میان استفاده بوروکراسی و دستگاه روحانیت در جریان بود، جهت گیری دست این بود که سلطه روحانیت آماج اصلی باشد. اما راست این است که ارزیابی من از توازن نیروها نادرست بود. من فکر می‌کردم نیروهای تکنوکرات و بوروکرات آنقدر در جامعه و در حکومت نیرو گرفته‌اند و مجتمع شده‌اند که می‌توانند سلطه روحانیت را به عقب بزنند. این ارزیابی نادرست بود.

به عبارت دیگر شما فکر می‌کنید که جهت اصلی مبارزه ما باید متوجه اصلاح ساختار سیاسی جمهوری اسلامی باشد یا جهت این مبارزه باید بر کناری مجموعه این حکومت باشد.

این بحث بحث استراتژی و تاکتیک است. استراتژی باید تغییر نظام جمهوری اسلامی و استقرار نظام مبتنی بر حق رای مردم باشد. در تاکتیک در هر مرحله ما باید از اصلاح و تغییر در ساختار جمهوری اسلامی و در سیاست‌های حاکم راهی گیری و رژیم را به عقب نشینی وادار کنیم. هر گام عقب نشینی، هر تغییر مثبت در ساختار حکومتی گامی در جهت دموکراسی است.

بحث بر سر عقب نشینی رژیم بر اثر فشار از پایین نیست. بحث بر سر اصلاح سیستم سیاسی است. آیا هدف تا کنیکی را از جمله می‌توانیم اصلاح ساختار سیاسی رژیم قرار دهیم یا نه؟ البته که می‌توانیم. این نوع اصلاح به سود ماست. من نظر شما را نمی‌دانم. از نظر من به سود دموکراسی است.

تا کنیک شما از ارزیابی معینی ناشی می‌شود. آیا شما این امکان را در حکومت موجود مهبیا می‌بینید که مجموعه فشارها بتواند به اصلاح ساختار سیاسی حکومت منجر شود؟

به طور کلی نمی‌توان یک بار برای همیشه گفت که اصلاح یا تغییر در ساختار رژیم اسلامی امکان پذیر هست و یا یک بار برای همیشه گفت که هیچ نوع تغییر یا اصلاح در این رژیم امکان پذیر نیست. پاسخ این سوال را توازن نیروها، میزان بسیج و شرایط واقعی تعیین می‌کند که اصلاح امکان پذیر است یا نه. این امید در سالهای پس از پایان جنگ و مرگ خمینی بود که ممکن است تغییری یا اصلاحی در ساختار رژیم امکان پذیر گردد اما توازن نیرویاری نکرد که این اصلاح به پیش برود. فردا، در آینده ممکن است شرایط دیگری فراهم شود. نامه ۸۶ نفر و امکان شرکت یا عدم شرکت یخشی از نیروهای مخالف در انتخابات آتی البته اصلاح نظام نیست ولی به معنای تغییر در شرایط سیاسی است.

یعنی تحول در ایران در جهت استقرار دموکراسی باید با شرکت و موافقت حکومت صورت پذیرد.

آرزو در این راستاست. آرزو این است که تحول به صورت مسالمت آمیز و نرم انجام پذیرد. از این نظر همه نیروهای طرفدار دموکراسی باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا نیروی حاکم و نه تنها نیروهای حاکم که مجاهدین، حامیان رژیم سابق و چپ‌های رادیکال را به توافق با خود برای گذار مسالمت آمیز ترغیب کنند. چنین توافقی امروز غیر عملی و غیر ممکن است. به این دلیل که نیروی دموکراسی در ایران هنوز موفق به تسخیر موضعی نشده است که دست یابی به آنها برای استقرار دموکراسی ضروری است. استقرار نظام دموکراتیک در ایران دو چیز طلب می‌کند: یکی آزادی تشکل، یکی آزادی بیان. هر یک از این دو یک روند است و یکجا تحقق نخواهد یافت. تکیه بر این دو روند، یعنی متحد کردن مردم حول مطالبات دموکراتیک و تحت رهبری سیاسی واحد آن دو پایه اساسی است که زمینه را برای استقرار نظام سیاسی دموکراتیک مهیا می‌کند.

وقتی مردم حول خواست‌ها و مطالبات معین متحد و حول رهبری سیاسی واحد متحد شدند آن زمان باید صحبت کرد که این نیروی را که بدست آورده‌اند - این حربه‌ای را که بدست آورده‌اند در برابر نیروی حاکم چگونه به کار گیرند. به نظر من باید این حربه را برای وادار ساختن طرف مقابل به پذیرش راه مسالمت آمیز به کار گیرند.

اینکه در آینده استبداد به زانو در نخواهد آمد در برابر اراده متحد مردم، از نظر من یک پیش بینی ما یوسانه و مبتنی بر کم بهادادن به ظرفیت‌های موجود در ایران در جهت استقرار دموکراسی است. اگر نیروی دموکراسی

آنقدر توانمند شده باشد که بتواند رژیم موجود را بر کنار سازد قطعاً خواهد توانست که طرفداران آن را نیز به توافق با خود حول گذار مسالمت آمیزنا گزیر سازد.

شما از شکل گیری رهبری سیاسی جنبش برای استقرار دموکراسی صحبت کردید. در نظرات شما این هست که این رهبری اساساً باید در داخل کشور شکل بگیرد. اگر ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید.

تاسیس رهبری سیاسی واحد با هدف استقرار دموکراسی، در وضعیت موجود کشور قبل از هر چیز بستگی به ایجاد شرایط مناسب برای برآمدن رهبری دارد. در شرایط استقرار همه جانبه‌ی استبداد در کشور و شرایط انفعال مردم برای مقابله با این استبداد امکان شکل گیری رهبری سیاسی در داخل کشور طبعاً وجود ندارد. در آن مرحله مبارزه طبعاً متوجه پیگیری مطالبات معین و در مرکز آن اعتراض به موارد نقض حقوق بشر است. این رهبری فقط زمانی می‌تواند مدعی تغییر در مجموعه نظام سیاسی حاکم بر کشور و گذار از وضع موجود به نظامی دیگر بشود که شکاف در نظام حاکم پدید آمده، شرایط اجتماعی مساعد شده و اوضاع بین المللی به حمایت از این تغییر نیز جلب شده باشد. تا آن زمان طرح مطالبات و خواست‌های مشخص و موضعی است که می‌تواند راهگشا و زمینه ساز تاسیس و برآمدن رهبری سیاسی واحد گردد.

دلیل مخالفت شما با این سیاست سازمان برای ایجاد آلترا ناسیونالیست‌ها و اساساً به همین مناسبت است یا دلایل دیگری نیز دارید؟

اول ما باید زبان مشترک پیدا کنیم روی معنای کلمه آلترا ناسیونالیست. درک من از سیاست سازمان مصوب کنگره دوم داشته‌ام و دارم این بود و این هست که می‌خواهد رژیم را بر دارد و رژیم پارلمانی را راساً و به اتکای متحدین خود و بدون توافق با سایر آلترا ناسیونالیست‌ها، و بدون توافق با نیروهای حاکم، جایگزین آن سازد. به زبان دیگر استقرار جمهوری پارلمانی حلقه‌ی پل و واسطه در این میان است. این حلقه واسطه از نظر من مجمع توافق همگانی است که عناصروارکان آن نیروهای هستند که هر کدام راه حل‌ها و یا بزرگم دیگر آلترا ناسیونالیست‌ها را (بجز جمهوری پارلمانی) طلب میکنند. این نکته در خط مشی سازمان موجود نیست. ارائه نیروئی که باید دولت تشکیل دهد و یا قدرت را به دست گیرد ضروری است اما در وقت ضرور. حنا رهبران و چهره‌های آن باید معرفی شوند اما در وقت ضرور. من با معرفی رئیس جمهور، معرفی هیات دولت، حنا با معرفی نمازدهای نمایندگان مجلس در وقت خود، نه تنها مخالف نیستم بلکه آن را وظیفه هر نیروی سیاسی جدی می‌شناسم که خواهان تحول جدی در اوضاع کشور است. مطمئن باشید روزی که وقتش رسید ما حتماً این کار را خواهیم کرد.

امروز ما و دیگران که آلترا ناسیونالیست‌های فکری یعنی (نظام‌های سیاسی) متفاوت را برای جامعه پیشنهاد می‌کنیم باید با یکدیگر برای چگونگی استقرار نظام مورد نظر خود به یک راه حل مشترک یعنی تاسیس مجلس موسسان با مشارکت یکدیگر برسیم. این مساله‌ای مقدم است. معرفی ترکیب وظیفه مقدم نیست و چه بسا آن روز ترکیب نیروها و احزابی که ما برای بدست گرفتن قدرت پیشنهاد می‌کنیم همان ترکیبی نباشند که امروز متحد ما هستند. هنوز زود است که ما درباره ترکیب قدرت جایگزین تصمیم بگیریم و این مخالفت مربوط به امروز است و نه بطور کلی.

چرا فکر می‌کنید ارائه آلترا ناسیونالیست‌ها جنبش نیروهای دموکراتیک به معنی پیشنهاد ترکیب معینی برای حکومت است و به معنای پیشنهاد نوع معینی از نظام حکومتی نیست؟

اگر منظور ارائه نوع معینی از نظام حکومتی باشد آنوقت تشکیل دادن یا ایجاد کردن آن بی‌معناست. در این صورت وظیفه‌ی ما در این زمینه وظیفه‌ای تبلیغی، سیاسی، ترویجی یعنی وظیفه ارائه یک برنامه سیاسی معین است.

درواقع نظری هست که منظور شما از تشکیل یا ایجاد آلترا ناسیونالیست همان ارائه یک برنامه سیاسی معین و تبلیغ و ترویج آن در جامعه است و نه ارائه یک ترکیب از نیروهای سیاسی معین برای تشکیل حکومت! این نظر اما

بقیه در صفحه ۷

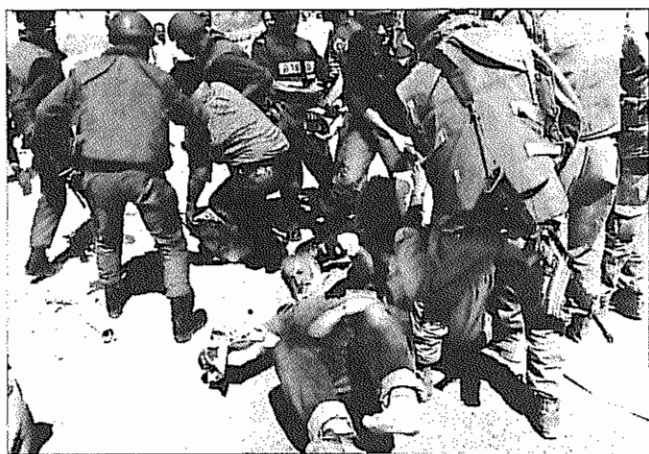
<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p><input type="checkbox"/> اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال</p> <p>نام: تاریخ:</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمیر) به آدرس "کار پست" نمایید.</p>	<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه _____ ۴۵ مارک</p> <p>یکسال _____ ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه _____ ۵۲ مارک</p> <p>یکسال _____ ۱۰۴ مارک</p> <p>GER _____ 3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <hr/> <table border="0"> <tr> <td>دارنده حساب:</td> <td>I.G. e.v.</td> <td>شماره حساب:</td> <td>22442032</td> </tr> <tr> <td>کد بانک:</td> <td>37050198</td> <td>آدرس:</td> <td>Verleger: I.G.e.v. I.G. e.v. Postfach 260268 50515 Köln GERMANY</td> </tr> </table> <p>شماره فکس: 3318290 - 221 - 0049 Fax</p>	دارنده حساب:	I.G. e.v.	شماره حساب:	22442032	کد بانک:	37050198	آدرس:	Verleger: I.G.e.v. I.G. e.v. Postfach 260268 50515 Köln GERMANY
دارنده حساب:	I.G. e.v.	شماره حساب:	22442032							
کد بانک:	37050198	آدرس:	Verleger: I.G.e.v. I.G. e.v. Postfach 260268 50515 Köln GERMANY							

چرا چپ‌ها مهر سگوت پر لکب زده‌اند؟

هفته‌نامه «دی ساید» در تاریخ ۵ ماه مه مقاله‌ای از داوید گروسمان نویسنده مترقی اسرائیلی منتشر کرد. گروسمان در این مقاله نگرانی خود را از نقش انفعالی چپ‌ها در فائز نوین روند صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیل ابراز می‌کند و از بی‌عملی چپ‌ها در این فاز سخن می‌گوید.

گروسمان می‌نویسد: احیراً در ملاقاتی که بین روشنفکران اسرائیل و فلسطینی صورت گرفت، یکی از اسرائیلیان پرسید: رفقای فلسطینی علیرغم اینکه بخوبی واقفند پروسه صلح، فائز بسیار مشکلی را طی می‌کنند و فلسطینیان بعد از سالها مبارزه و کشمکش تاحدی به هدف خود یعنی یک کشور مستقل فلسطینی دست یافته‌اند، چرا آنها اکنون مهر سگوت پر لکب زده‌اند؟ آنها بی‌کمی که آینده دورتر را می‌توانند ببینند چرا لب بر بسته‌اند. جوابی که فلسطینیان به این سؤال می‌دهند چنین است: چون خود ما هم دیگر به پروسه صلح چندان امیدوار نیستیم. ما هر روز شاهدیم که زمین‌های بیشتری مصادره می‌شوند و خانه‌های بیشتری ساخته می‌شوند و جاده‌های کمر بند می‌شوند و در مناطق ما بنا می‌شود. این‌ها همه حاکی از آنست که اسرائیلی‌ها می‌خواهند باری دیگر بر ما در میدان دیگری پیروز شوند اما فقط ایندفعه این سرکوب بطرز زیرکانه تری انجام می‌شود بطوریکه هر شانس برای تعیین سرنوشت ملی را از ریشه می‌خشکانند. کسانی که با فلسطینی‌ها از نزدیک در ارتباط هستند از این نقطه نظر آگاهند ولی این نکته که آیا افکار عمومی هم بقدر کافی در جریان این مواضع قرار دارند قابل شک است؟ استدلالات رفقای فلسطینی که بیشترشان به پیمان صلح لیبیک گفته‌اند و هر کدام هم بهای گزافی برای آن پرداخته‌اند، اردوگاه هواداران صلح اسرائیلی را موظف می‌کند که این سؤال را از خود بکنند که آیا ما خودمان، را قریب نداده‌ایم؟

بناهیات تعجب این سؤال در محافل چپ‌های معتدل و لیبرال یا اصولاً طرح نمی‌شود و یا اینکه کنار گذاشته می‌شود و سرش سرپوش گذاشته می‌شود. چپ‌ها طی دهها سال مبارزه از طرق‌های مختلف و با بیخ توده‌ها توانسته‌اند به عملی شدن صلح کمک بسیار مؤثری بکنند. اما بعد از پیمان اوسلو چپ‌ها به وضعیتی افتادند که می‌توان آن را به فلج کامل تشبیه کرد. در مورد علت این کم‌کاری بعد از آغاز مذاکرات می‌توان این استدلال را از چپ‌ها



سربازان اسرائیلی در حال سرکوب فلسطینی‌ها در نزدیکی بیت المقدس

طرف چپ‌ها مطرح نمی‌شوند. چرا جنبش صلح دیگر توده‌های چند ده هزار نفری را به خیابان‌ها نمی‌کشاند تا این مسائل را به گوش همه مردم برسانند. آیا حالا موقع مناسب برای فشار آوردن بر این نیل به هدفی که سالها برای آن مبارزه شده است فرانسیده است؟ چرا این فشار از طرف مقابل بر اسحاق رابین وارد می‌شود و بنا بر این فشار به روشنی خودشان را نشان داده و خواهند داد و بسزودی در انتخابات هم شاهد تاثیراتش خواهیم بود. برآستی چپ‌ها کجا رفته‌اند؟ این انتقاد فقط متوجه چپ‌ها نیست بلکه اهل قلم را هم در بر می‌گیرد. گویی ما آدم‌های هستیم که برای یک هدف می‌رزیم ولی وقتی آرزویمان برآورده شد همه فلج می‌شویم. گویی دیگر عصر ما به پایان می‌رسد و نوبت انسانهای اهل عمل فرا می‌رسد. حالا دقیقاً موقع آن فرا رسیده است که چپ‌ها صدایشان را بلند کنند و از نفوذ توده‌ایشان

توافق نظامی است که بر طبق آن فلسطینی‌ها در یک ناحیه تحت محاصره قرار خواهند گرفت و دورتادور آن‌ها یک کمربند وسیع اسرائیلی مرکب از جاده‌های کمر بندی و انواع پست‌های کنترل و خانه‌های مهاجرین ایجاد کرد؟ راهی که رابین در آن قدم نهاد از طرف همه تحسین شد و می‌شود. اما با این وصف هم این موضوع مطرح است که قدرت طلبی و غریزه ستیزه جویی او را از ادامه راه تا به آخر بازمی‌دارد یا نه؟ لذا این ما هستیم که این راه را تا به آخر باید طی کنیم. اگر کاری به آخر نرساند همه چیز به حالت اولیه‌اش برمی‌گردد و بر خلاف همه پیش بینی‌ها که می‌گویند که روند صلح غیر قابل برگشت است این پروسه هم مستثنی نیست. چنانکه خیلی چیزها غیر ممکن می‌نمودند ولی در عمل دیدیم که ممکن شدند. برای تغییر این تصویر بطور ریشه‌ای باید یک سیاست جسورانه اتخاذ کنیم. ما باید خودمان را از

اخبار کوتاه از سراسر جهان

مذاکرات اسرائیل و فلسطین به کنندی پیش می‌رود

با اینکه اسرائیل و فلسطینی‌ها در ماه تیرماه ربه عنوان موعد دستیابی به توافق برای گسترش خود مختاری غزه و اریحا به بخش‌هایی دیگر از مناطق کرانه غربی رود اردن و برگزاری انتخابات در مناطق اشغالی و خود مختار تعیین کرده‌اند، با توجه به کنندی مذاکرات طرفین و موانع آن، بعید به نظر می‌رسد تا این تاریخ طرفین بتوانند به موافقت نامه کاملی در این مورد دست یابند. افراطیون اسرائیلی در اعتراض به عقب نشینی قریب الوقوع ارتش اسرائیل از بخشی دیگر از مناطق اشغالی، دست به اعتراضاتی از قبیل اشغال ساختمان‌های خالی در این مناطق زده‌اند. از سوی دیگر هفته گذشته در حادته‌ای در نوار غزه، دو نفر از اعضای گارد محافظ عرفات به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شدند.

اعزام ۲۰ هزار نفر نیروی جدید از سوی ترکیه

برای سرکوب کردها

ارتش ترکیه برای سرکوب کردها در استان تونجلی این کشور ۲۰ هزار نفر نیروی نظامی جدید به منطقه اعزام کرد. این نیروها از استان آرسنجان به ۳۰ هزار نفر نیروی دیگری پیوستند که از قبل به سرکوب چریک‌های کرد در تونجلی مشغول‌اند. به گزارش روزنامه ملیت ترکیه، قرار است نیروی ۵۰ هزار نفری ارتش این کشور دست به یکی از بزرگترین عملیات مقابله با کردها بزنند. استان تونجلی اکنون به صحنه اصلی جنگ بین حزب کارگران کردستان (پ. کا. کا.) و نیروهای دولتی تبدیل شده است. هفته گذشته در جریان یک عملیات کمین پ. کا. کا. در این استان، ۱۸ سرباز دولتی کشته و دو نفر دیگر مجروح شدند. مقامات ترکیه می‌گویند در این منطقه نیروهای پ. کا. کا. و گروه چپ‌گرای «دوروسول» که قبلاً علیه یکدیگر می‌جنگیدند، متحد شده‌اند.

مذاکرات بین مقامات جبهه نجات و دولت الجزایر

برخی گزارش‌ها از الجزایر حاکی است بین عبدالقادر حقانی از رهبران زندانی جبهه نجات اسلام الجزایر و نمایندگان دولت این کشور، مذاکراتی جاری است که هدف آن، فراخواندن بنیادگرایان به زمین گذاشتن سلاح‌های خود از سوی جبهه نجات، و درازای آن آزادی حقانی و عباس مدنی دو رهبر جبهه نجات در سالگرد استقلال الجزایر (۱۴ تیرماه) است. گفته می‌شود حکومت الجزایر به جبهه نجات قول مساعد داده است در صورت پذیرش آتش بس، خواهد توانست تحت نام دیگری به تجدید سازمان قانونی خود بپردازد. به نظر می‌رسد این توافق‌ها در جهتی است که «بیانیه رم» پیشنهاد کرده است. این بیانیه حدود ۵ ماه پیش توسط احزاب عمده اپوزیسیون الجزایر امضا شد و در آن، حکومت الجزایر به پایان دادن به جنگ داخلی فرا خوانده شد.

نا آرامی در کراچی

در هفته‌های گذشته موجی از خشونت و نا آرامی شهر کراچی پاکستان را دربر گرفته است. یک رشته سوء قصد به مقامات دولتی و خانواده‌های آنان، چند کشته و زخمی به جای گذاشت. تروریست‌ها با مسلسل و نیزه موشک اقدام به عملیات می‌کنند. به نظر می‌رسد این حملات در پاسخ به اقداماتی باشد که دولت بی نظیر یو تو اخیراً علیه دستجات مسلح افراطیون مذهبی و قومی انجام داده است.

فرانسه آزمایش‌های اتمی را از سر می‌گیرد

ژاک شیراک رئیس جمهور جدید فرانسه اعلام کرد این کشور، آزمایش‌های اتمی خود را که به دستور فرانسوا میتران رئیس جمهور سابق قطع شده بود، از سر می‌گیرد. این آزمایش‌ها قرار است در مجمع الجزایر مورورو واقع در جنوب اقیانوس آرام که متعلق به فرانسه است، انجام گیرد و تا ماه مه سال ۱۹۹۶ ادامه یابد. شیراک اعلام کرد پس از این سلسله انفجارها، فرانسه آماده خواهد بود همراه با سایر قدرت‌های اتمی، قراردادی برای منع انفجارهای هسته‌ای امضا کند. از چهار قدرت اتمی دیگر، هم اکنون روسیه، آمریکا و بریتانیا مدتی است که اعلام کرده‌اند دست به انفجارهای اتمی نخواهند زد، و تنها چین است که به این آزمایش‌ها ادامه داده است. تصمیم شیراک با اعتراض شدید کشورهای حوزه جنوب اقیانوس آرام، از جمله استرالیا و نیوزیلند روبرو شد.

تحریم شل

به مناسبت طرح غرق کردن تأسیسات نفتی

طرح کمپانی نفتی شل و دولت بریتانیا برای غرق کردن تأسیسات نفتی یک چاه نفت تخلیه شده در اقیانوس اطلس، موجی از اعتراض طرفداران حفظ محیط زیست را در اروپا برانگیخته است. در اعتراض به غرق کردن این تجهیزات که حاوی مقدار زیادی مواد سمی است، در برخی کشورهای مانند آلمان، طرفداران محیط زیست خرید بنزین از پمپ‌های شل را تحریم کرده‌اند. دولت آلمان نیز از لندن و شل خواسته است در تصمیم خود تجدید نظر کند.

در دست مواضع غیر اصولی و تک نظرانه‌ای که نمایندگان ما در مذاکرات اتخاذ می‌کنند رها سازیم. ما در مذاکرات از موقعیت برتری برخورداریم. کالایی را که فلسطینی‌ها خواهان‌اند در دست ماست. گرچه این موضوع هم که ما فقط بخشنده و آنها گیرنده هستند بطور کلی درست نیست و این قضیه هم صحت ندارد که آنها بیش از ما به صلح نیازمند هستند. اگر واقعاً چنین بود اسرائیل به این زودبها به صلح تن در نمی‌داد. در روند مذاکرات ممکن است ما در کوتاه مدت به پیروزی‌هایی دست یابیم. اما بطور کلی در این روند بازنده و برنده و غالب و مغلوبی وجود ندارد. در ابتعاد دیگر منافع من و منافع او مطرح نیست. هر دو طرف ما زخمی‌های عمیق بر بیکر و روح ما داریم و با این زخم‌ها روند آشنی را باید طی کنیم. هر دو طرف فرهنگ خشونت و انتقام کشی را در خود داریم. رهایی از این فرهنگ و پیشدوری‌ها تلاش فراوانی را می‌طلبد. ما باید بیم و نگرانی روشنفکران فلسطینی را دست کم نگیریم. شاید هم اکنون آنها حدس می‌زنند که کشور فلسطین مورد نظر اسحاق رابین چیزی است بین یک حکومت خود مختار فلسطینی و یک نوع کنفدراسیون با اردن که از داخل این کشور جاده‌های اسرائیلی رد می‌شوند و در اطراف آن خانه‌های مهاجرین اسرائیلی قد علم می‌کنند و بدین صورت تخم نفاق و تحقیر برای ابد در این منطقه کاشته خواهد شد. با توجه به نقشه‌های مرزی معاهده فوقی اسرائیلی‌ها به نظر می‌آید که اسرائیل تلاش دارد حاکمیتش را بر اغلب مناطق و خانه‌های مهاجرین در مناطق اشغالی حفظ کند. در ملاقاتی که با یکی از نمایندگان اسرائیلی شرکت کردند در مذاکرات صلح داشته‌ام به این نتیجه رسیدم که هیچکس و خود اسحاق رابین هم نمی‌داند که آخرو عاقبت این پیشنهاد به کجا می‌رسد. شاید طی برخوردهای فکری این مواضع تغییر یابند ولی این سؤال باقی می‌ماند که آیا روند صلح تحت این شرایط هیچ شانس برای به نتیجه رسیدن دارد یا نه؟ آیا این پیشنهاد مرزهای موقت کل قضیه را به بن بست نخواهد کشاند. علیرغم همه این مسائل چیزی که مسلم است اینکه چپ نباید بیش از این آرام بنشیند و دست روی دست بگذارد.

حمله خونین

چچنی‌ها...

بقیه از صفحه ۱۲
چچن صورت گرفت. به دنبال تصرف چند مقر چچنی‌ها توسط ارتش روسیه، در تلویزیون روسیه ویکتور چرنومیردین نخست‌وزیر ظاهر شد و به این سؤال که ممکن است جنگ چچن به سایر مناطق روسیه کشیده شود، پاسخ داد: «این امر غیر ممکن است. به نظر می‌رسد با موفقیت‌های نظامی روسیه، مقاومت نیروهای چچنی در خاک این جمهوری در حال درهم شکستن است و بخشی از این نیروها، چاره‌راه در توشل به اقدامات تروریستی در خاک روسیه دیده‌اند. با توجه به چنین تمایلاتی بود که دو هفته پیش جوهر دودایف رهبر چچنی‌ها، افراد خود را از عملیات در خاک روسیه منع کرد و گفت: «ما تروریست نیستیم. ما قادریم در منطقه خودمان دفاع کنیم»

آیا طالبان با حزب اسلامی حکمت یار متحد می‌شود؟

مقررات جدید جمهوری اسلامی، ۴۵۰ هزار نفر از افغانی‌های مقیم ایران باید به افغانستان بازگردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۲۱ خرداد گزارش داد تا اواسط شهریورماه، کار بازگرداندن این مهاجران به اتمام خواهد رسید. طبق این گزارش، «مسیونی با شرکت کمپساری‌های اعلی‌پناهندگان سازمان ملل، برای بازگرداندن آوارگان تا ۱۵ شهریورماه و مسائل حمل و نقل لازم راتهییه خواهد کرد». همچنین قرار است کمیساریای پناهندگان به این مهاجران کمک‌های انسانی نیز برساند. در مراکز استان‌ها، اداره‌های اتباع خارجی برای اخراج افغانی‌ها بسیج شده‌اند. مدیر کل اتباع خارجی استان فارس گفته است نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نسبت به جمع آوری و اخراج

به دنبال شکست‌های نظامی گروه طالبان در افغانستان، برخی گزارش‌ها حاکی است در غرب افغانستان این گروه دست به تلاش‌هایی برای نزدیک شدن به حزب اسلامی حکمت یار زده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۱۲ خرداد ماه در گزارشی از این امر ابراز نگرانی کرده است که طالبان در استان هیلمند، پشتو زبانان را علیه افغانی‌های فارسی‌زبان تحریک می‌کنند. همین گزارش حاکی است در این استان، طالبان به توافق‌هایی با حزب اسلامی رسیده‌اند. از افغانستان خبرهایی دایر بر این رسیده است که آوارگان افغانی بازگشته از ایران به کشورشان، در هرات دچار موقعیت دشواری شده‌اند چرا که جنگ یا هوای نامساعد، کلیه راه‌های خروج از این شهر را مسدود کرده است. طبق

اجلاس سران ۷ کشور بزرگ صنعتی در کانادا تشکیل شد



سران ۷ کشور بزرگ صنعتی در لحظه گشایش کنفرانس

هفته گذشته، شهر هالیفا کس کانادا شاهد برگزاری اجلاس سران آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و کانادا در شهر هالیفا کس کانادا بود. در این نشست نوبتی رهبران هفت کشور صنعتی، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا نیز شرکت کرد. بعداً یلنسن رئیس جمهور روسیه نیز به این جمع پیوست.

نشست های سران کشورهای صنعتی معمولاً تحت عنوان بررسی مسائل اقتصادی برگزار می شود، اما همواره موضوعات سیاسی نیز در این اجلاس ها مطرح می شود. امسال جنگ بوسنی - هرزگوینا به عنوان مهم ترین مسئله بین المللی روز، در هالیفا کس مورد بحث قرار گرفت. چنانکه انتظار می رفت اجلاس سران هفت کشور صنعتی به ویژه در عرصه اقتصادی تصمیمات و تدابیر جدی و قابل اعتنایی اتخاذ نکرد. در زمینه سیاسی نیز اجلاس مثل همیشه به بیان برخی دیدگاهها بسنده کرد و اظهار امیدواری نمود که بحران دریوسنی، الجزایر و چین خاتمه یابد، روند صلح خاورمیانه شتاب گیرد و جمهوری اسلامی به پذیرش موازین و معیارهای بین المللی و عدم حمایت از تروریسم متقاعد شود. این در حالی است که تداوم بحران و درگیریهای منطقه ای قسماً به مصالح و منافع متفاوت کشورهای شرکت کننده در اجلاس بازمی گردد.

راست این است که اختلاف منافع کشورهای گروه ۷ مانع از آن بوده است که آنها در مورد پیشگیری از بحران هایی همچون بحران مالی در مکزیک، مهارت یکاری فزاینده، پایان دادن به جنگ تجاری آمریکا و ژاپن، نوسانهای شدید ارزی در بازارهای مالی جهان و یا بحران

بوسنی به توافق برسند. در مورد جمهوری اسلامی نیز همانگونه که پیش بینی می شد اروپا با لحن تند بیانیهای پایدانی اجلاس علیه حکومت تهران موافقت کرد تا آمریکا راضی کند که از فشاری بر پیوستن اروپا به تحریم اقتصادی علیه ایران چشم پوشد.

اختلاف بین آمریکا از یک سو سایر کشورهای صنعتی از سوی دیگر در مورد نحوه برخورد به ایران، در اجلاس هالیفا کس از موضوعات اصلی نبود. کشورهای اروپایی در آستانه این نشست بار دیگر تا کید کردند به تحریم های اعلام شده از سوی کلینتون نخواهند پیوست. از گزارش های مطبوعات و رسانه های غربی در مورد نشست هالیفا کس چنین برمی آید که رئیس جمهور آمریکا در کانادا دست به تلاش گسترده و چشمگیری برای متقاعد کردن سایر کشورهای به تحریم ایران نزد. این احتمال وجود دارد که کشورهای غربی منتظر نتایج مذاکرات واعظی فرستاده جمهوری اسلامی به اروپا هستند که قرار است این هفته انجام گیرد. قرار است جمهوری اسلامی در این گفتگوها رسماً به ستوال اتحادیه اروپا در مورد فتوای قتل سلمان رشدی پاسخ دهد. منابع غربی از هم اکنون رئوس احتمالی این پاسخ جمهوری اسلامی را منتشر کرده اند که عبارت از دادن تعهدی مبنی بر عدم ارسال کماندو برای قتل رشدی و فراخواندن ایرانیان به مسلمانان مقیم کشورهای غربی به رعایت قوانین کشور میزبان.

در عرصه اقتصادی اینک مدتهاست که کشورهای گروه ۷ نشست انحصاری و منحصر بفرد خود را از دست داده اند و هم اینک برخی از روندهای مهم مالی جهان برای مثال

اجلاس سوریه و اسرائیل درباره مسائل امنیتی مذاکره می کنند

واردن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در سفر اخیر خود به خاورمیانه موفق شد موافقت سوریه را برای شرکت در مذاکراتی که قرار است هفته آینده بین سوریه و اسرائیل در باره مسائل امنیتی صورت گیرد، جلب کند. وزیر خارجه آمریکا هفته گذشته در پایان دیدار چهارروزه خود از کشورهای منطقه، اظهار داشت که هیچ گاه به اندازه امروز به تحقق صلح همه جانبه در خاورمیانه امیدوار نبوده است. وی افزود با این حال هنوز کارهای بسیاری در پیش است.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در ملاقات با کریستوفر موافقت کرد و در اوایل تیرماه بین سوریه و اسرائیل گفتگوهایی در سطح نمایندگان عالی رتبه دو کشور در مورد مسائل امنیتی صورت گیرد. کریستوفر پس از دیدار سه ساعته خود با اسد گفت کلینتون رئیس جمهور آمریکا برای صلح خاورمیانه به قدری اهمیت قائل است که برای پیشبرد آن حاضر است بار دیگر به منطقه سفر کند.

مذاکرات امنیتی سوریه و اسرائیل، در واشنگتن به میانجیگری آمریکا صورت خواهد گرفت. در این گفتگوها، رؤسای ستاد های ارتش دو طرف شرکت خواهند کرد و به بررسی تدابیر امنیتی در بلندی های جولان و اطراف آن خواهند پرداخت. این بلندی ها از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بدین سو در اشغال اسرائیل است. سوریه تا کید کرده است شرط انعقاد صلح با اسرائیل، پس دادن این منطقه است. در مقابل، نظامیان اسرائیلی می گویند در صورتی که جولان را تخلیه کنند، باید سیستم های هشدار دهنده، مناطق غیر نظامی و مناطق حضور محدود نظامی، اطلاع قبلی از مانورهای نظامی طرف مقابل، استقرار ناظران صلح بی طرف، ریسک امنیتی اسرائیل بر اثر تخلیه جولان را جبران کند.

از سایر مسائل مورد بحث در مذاکرات سوریه و اسرائیل، حد مورد پذیرش سوریه برای مناسبات دوجانبه خواهد بود. به گفته وزیر خارجه آمریکا، دو هفته پس از برگزاری نخستین دور مذاکرات واشنگتن که روز ۶ تیر آغاز می شود، سفرای سوریه و اسرائیل در واشنگتن به همراه نظامیان عالی رتبه بار دیگر ملاقات می کنند تا به دنبال وقفه ای برای بازمی نتایج، گفتگوها را دنبال نمایند.

در آسیای جنوبی شرقی رقم می خورد. در نهاد های اقتصادی مهمی همچون صندوق بین المللی پول نیز کشورهای مزبور دیگر از اکثریت آرا برخوردار نیستند. از همین رو تصمیم مهم این اجلاس تنها به افزایش قدرت مالی صندوق بین المللی پول برای دخالت فعال تر در بحران هایی همچون بحران مکزیک و نیز ایجاد یک سیستم هشدار دهنده در مورد نقض مقررات مالی از سوی این یا آن کشور محدود شد.

تا پیش از پایان جنگ سرد که هنوز غرب رقیب واحدی داشت، گروه ۷ نیز متحدانه تر عمل می کرد و اجلاس هایی به صدور بیانیه ها و یکی، دو تصمیم غیرمهم خلاصه نمی شد. در سالهای دهه هشتاد همین اجلاس ها بودند که با تصمیمات عاجل مانع افزایش نرخ برابری دلار و ایجاد اختلال در تجارت و صادرات غرب شدند، اما اینک منفعلانه نظاره گر کاهش بی سابقه ی ارزش دلارند، قادر به حل اختلاف تجاری آمریکا و ژاپن نیستند و تصمیماتشان در مورد انداختن شتاب آلود روسیه به مسیر

سرمایه داری نیز عمدتاً با دواخواسته است. با این همه رهبران گروه ۷ در اجلاس هالیفا کس یک توافق خود را کماکان حفظ کردند و آن مسکوت گذاشتن بدیهی های کشورهای جهان سوم بود. سال ۱۹۷۶ هنگامی که سران ۶ کشور صنعتی (منهای کانادا) در پاریس گرد آمدند بدیهی کشورهای جنوب مجموعاً بر ۵۰۰ میلیارد دلار بالغ می شد. این رقم اینک به ۲۰۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این در حالی است که کشورهای بدکار با بابت اصل و فرع بدیهی های خود به شمال تروتمند تا کنون حدود ۲۶۰۰ میلیارد دلار برداشته اند. مبلغی که یکی از رقم های درشت درآمدهای مالی غرب به حساب می آید و شمال را روز به روز به ضرر جنوب غنی تری می کشد.

بی سبب نیست که در این اجلاس نیز نه از بخشش و نه از تمدید ولوبخشی از بدیهی های جنوب سخنی به میان نیامد و توافقی نانوشتی به پیشین یعنی تداوم و تعمیق شکاف میان شمال و جنوب با سکوت مورد تأیید قرار گرفت.

حمله خونین چینی ها به شهر بودیونسک روسیه

هفته گذشته روسیه شاهد بزرگترین حمله تروریستی تاریخ خود بود. گروهی از شبه نظامیان چینی با رخنه به شهر ۱۰۰ هزار نفری بودیونسک در جنوب روسیه که ۱۵۰ کیلومتر با مرز چین فاصله دارد، دست به کشتار بی سابقه ای در میان اهالی این شهر و گروگان گیری زدند. طبق گزارش های رسیده، تا پایان هفته گذشته در جریان این واقعه بیش از ۹۰ نفر کشته شده بودند. حدود ۵۰ نفر از آنها همان در بیمارستان شهر، شمار زیادی از بیماران، کارکنان، نظامیان، افراد پلیس و اهالی شهر را گروگان گرفتند که تعداد آنها تا ۱۵۰۰ نفر برآورد شد. تروریست ها خواهان پذیرش مذاکره برای پایان دادن به جنگ در چین از سوی دولت روسیه شدند و تهدید کردند در صورت عدم تحقق این خواست، گروگان های خود را خواهند کشت.

در حالی که جنگ چین تا قبل از هفته گذشته به خود این جمهوری محدود بود، اکنون برای نخستین بار دامنه این جنگ به عمق خاک روسیه کشیده شده است. درواکش نسبت به واقعه بودیونسک، مسکو همه نیروهای خود در شمال قفقاز را به حالت آماده باش درآورد. در سراسر

روسه عملیات کنترل راه ها توسط پلیس گسترش یافت. در مسکو پلیس خرواهان ۱۶ هزار نفر نیروی تقویتی شد. از چند ساعت پس از حادثه جنوب روسیه، دستگیری ها در میان چینی های ساکن روسیه و افراد دارای ظاهر مشابه آنها آغاز شد. در حالی که دولت روسیه مدعی است رهبری عزل شده جموری چین حمله تروریستی به بودیونسک را سازمان داده است، جوهر دودایف رئیس جمهور چین در بیانیه ای در روزهای روسی از گرو سنی مرکز چین رانده شد، حمله به بودیونسک را محکوم کرد و گفت هرگز دستور حمله به اهدافی در خاک روسیه را نداده است.

رهبری تروریست ها بر عهده باسایف فرمانده "گروگان آبخازی ها" است که در جنگ چین، متحد دودایف بود و در دفاع از گرو سنی شرکت داشت. باسایف با ظاهری اسلامی و ریشی انبوه، در بودیونسک در جمع خبرنگاران حاضر شد و بر خواست های گروه خود تأکید کرد. حمله به بودیونسک هم زمان با ادامه پیشروی های ارتش روسیه در بقیه در صفحه ۱۱

شورای امنیت از تشکیل نیروی واکنش سریع برای بوسنی، حمایت کرد

شامگاه پنجشنبه ۲۵ خرداد به وقت نیویورک، شورای امنیت سازمان ملل متحد از تشکیل یک نیروی واکنش سریع اروپایی برای بوسنی - هرزگوینا حمایت کرد. علیرغم حمایت شور از این اقدام، به علت ابراز مخالفت هایی در کنگره آمریکا، مسئله تا مین بود چه نیروی واکنش سریع لا ینحل مانده است. رابرت دول ونوت گینگریج رهبران جمهوریخواهان در سنا و مجلس نمایندگان آمریکا گفته اند این کشور نباید با اعزام نیروی زمینی یا کمک مالی، به پیشبرد "استراتژی غلط" سازمان ملل در بوسنی کمک کند.

شورای امنیت به نیروی مداخله سریع، با سیزده رأی موافق و دو رأی ممتنع روسیه و چین اتخاذ شد. بیشترین اصرار در تشکیل این نیرو را فرانسه نشان داد. کلینتون رئیس جمهور آمریکا نخست تلاش داشت رأی گیری تا حصول توافق بین وی و کنگره در مورد نحوه تأمین بودجه نیروی واکنش سریع به تعویق افتد، اما با فشاری شریک رئیس جمهور فرانسه، آمریکا نیز به قطعنامه رأی مثبت داد.

در قطعنامه شورای امنیت، اعزام حداکثر ۱۲۵۰۰ سرباز فرانسوی، انگلیسی و هلندی با تجهیزات سنگین برای دفاع از ۲۲ هزار سرباز پاسدار صلح سازمان ملل که در بوسنی - هرزگوینا مستقرند، مجاز شمرده شده است. قطعنامه با اینکه دفاع از "کلاه آبی" های سازمان ملل را تنها وظیفه نیروی واکنش سریع اعلام کرده است، به اینکه این نیرو تحت چه شرایطی مجاز به کاربرد قهر است، اشاره ای ندارد. پطرس غالی دبیر کل سازمان ملل، در نامه ای به شورای امنیت مخرج شش ماه اول نیروی مداخله سریع را حداقل ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرد. نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت این کشور فعلاً حاضر نیست بخش اعظم بودجه نیروی واکنش سریع را بر عهده بگیرد. وی پیشنهاد کرد کشورهای دیگری که این نیرو را تشکیل می دهند، خود تأمین بودجه آن را نیز بر عهده گیرند و

با بدین منظور، یک صندوق کمک داوطلبانه تشکیل شود. در پاسخ به این خواست، دولت هلند که قول اعزام ۱۷۰ سرباز به نیروی واکنش سریع را داده است، روز ۲۶ خرداد اعلام کرد حاضر به تأمین بودجه اعزام این سربازان نیست. در چارچوب مقررات سازمان ملل برای اعزام نیروهای پاسدار صلح، حدود یک سوم مخارج این گونه مأموریت ها را آمریکا تأمین می کند. تشکیل نیروی واکنش سریع، اقدامی است که فرانسه و بریتانیا پس از گروگان گیری های اخیر سربازان سازمان ملل توسط صرب های بوسنی، در مورد آن به توافق رسیدند. هفته گذشته اکثر این گروگان ها آزاد شدند اما صرب ها اعلام کردند ۱۵ نفر از آنها را چند روز دیگر بگرنند.

از روز پنجشنبه ۲۵ خرداد، شمال غربی ساریوو مرکز بوسنی - هرزگوینا شاهد تعرض گسترده نیروهای دولتی این جمهوری علیه مواضع صرب ها است که ساریوو را محاصره کرده اند. شمار نیروهای شرکت کننده در این تعرض بین ۱۵ تا ۳۰ هزار نفر برآورد می شود. در حالیکه تعداد نیروهای صرب مستقر در این منطقه حدود ۱۰ هزار تن است. هنوز معلوم نیست تعرض اخیر نیروهای دولتی بوسنی، تدارک حمله ای بزرگ برای شکستن محاصره ساریوو است یا نه. در فرمانی که عزت بیگویچ رئیس جمهور بوسنی صادر کرد، آمده است که دولت بوسنی قصد دارد به "فشاردن گلوبی ساریوو" توسط صرب ها خاتمه دهد. این شهر بیش از سه سال است که در محاصره صرب ها است. اینان اخیراً با خارج کردن سلاح های سنگین خود از کنترل سازمان ملل و گروگان گیری نیروهای این سازمان، بار دیگر بوسنی را در مرکز توجه جهان قرار دادند. صرب ها موفق شدند از سازمان ملل در ازای آزادی گروگان ها تضمین عدم تکرار حملات هوایی تا به مواضع خود را بگیرند.

یک شورش ضد دولتی در عراق سرکوب شد

به گزارش منابع اپوزیسیون عراق، واحدهای مسلح وفادار به حکومت، به دنبال این حادثه دست به محاصره یک واحد زرهی زدند که در شورش شرکت داشت. روز پنجشنبه برخی منابع در عراق تأکید کردند که فرمانده گردان تانک شورش، به دنبال شکست این شورش خودکشی کرده است. در گزارش ها آمده است انگیزه شورش اخیر در عراق، اعدام یک ژنرال سابق نیروی هوایی این کشور به اتهام توطئه علیه صدام حسین بود. در جریان شورش، مخالفان دوبار کوشیدند زندانیانی را که از هنگام نا آرامی های رمادی در زندان شهر ابوغریب اسیرند، آزاد کنند، اما موفق نشدند. شمار این زندانیان صد هانفر تخمین زده می شود.